

نقدی بر جو اخلاقی حاکم بر ورزش کشور و ارائه الگوی مطلوب اخلاقی در جامعه اسلامی

دکتر غلامعلی کارگر^۱

مقدمه:

امروزه ورزش جایگاه مناسبی را در برنامه‌های اجتماعی، فرهنگی، تفریحی، اوقات فراغت و سرگرمی پیدا کرده است. از طرفی ورزش زمینه خوبی برای دست‌اندر کاران اجرایی و ورزشکاران جهت ورود به سایر فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. ورزش تجارت بزرگی است و مردم نیز برای آن هزینه می‌کنند و رسانه‌های گروهی به تبلیغ و ترویج آن می‌پردازند. مثلاً کامت و استاجل^۲ (۱۹۹۰) با بررسی کل صنعت ورزش آمریکا، از ساخت کالاهای ورزشی تا داوری بازیهای مختلف نشان دادند که این صنعت سالیانه بیش از ۶۳ بیلیون دلار تجارت می‌کند و در بین صنایع بزرگ آمریکا در ردیف ۲۲ قرار دارد و رتبه آن از صنایع اتومبیل، نفت، چوب و ترابری هوایی بالاتر است. (رمضانی‌نژاد، ۱۳۸۸).

پیشرفت همه جانبه تربیت بدنی و علوم ورزشی طی دهه‌های اخیر، از یک سو میدان عمل دست‌اندر کاران ورزش را وسعت بخشیده و از سوی دیگر مسائل عمیق اخلاقی را مطرح نموده است. دانش و عملکردهای جدید نیاز به تبیین و تدوین احکام نوین دارند و مسؤولیت و اختیار تبیین مبانی لازم برای این امر در ورزش را نمی‌توان جز از اخلاق ورزشی جویا شد.

متأسفانه ساختار ورزش قهرمانی و حرفه‌ای، اختیار و آزادی عمل را برای بسیاری از

^۱ . عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

نگاهی به کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه علامه طباطبائی

نیروهای انسانی محدود می‌سازد. چون در هر لحظه ترس از شکست برای همه وجود دارد. این ضعف و ترس نیز صرفاً به برنامه‌ها و رویدادهای ورزشی محدود نمی‌شود، بلکه پیامدهای اجتماعی دیگری را به دنبال دارد. وجود انگیزه‌های قومی تجاری و مادی، روح ورزش را پژمرده و آن را با بحران اخلاقی رو به رو می‌سازد. در این شرایط حتی بازی قانونی یا قانونی بازی کردن (تا چه رسد به بازی اخلاقی) ارتقاء و گسترش لازم را نیافته است. بدن ورزشکار نیز مانند عنصری بلا تکلیف و سرگردان، به هر قیمت متحمل فشارهای اضافی است. محققینی مانند میلر^۱ (۱۹۸۰) معتقدند که ما نیازمند یک تحول اخلاقی در ورزش هستیم تا شاید به واسطه آن زمینه برای کاهش فسادهای اخلاقی که تأثیر بسزایی بر جامعه دارند فراهم شود. بعضی‌ها به اثبات فساد اخلاقی و تقلب‌های موجود در رقابتها پرداخته و بعضی‌های دیگر نیز به قدرت پیروزی و احساس افتخار بعد از آن اشاره می‌کنند (کیتینگ^۲، ۱۹۷۳).

بیان مسأله:

تصمیم‌گیری اخلاقی به عنوان شکل سازمان یافته تأمل اخلاقی، به منظور حل تعارضات اخلاقی بوده و از عناصر ضروری در حوزه ورزش محسوب می‌شود. دست‌اندرکاران ورزش در هر کشور، نیازمند توانایی بازشناسی معضلات اخلاقی و تصمیم‌گیری‌های مناسب بوده و برای اخذ تصمیمات اخلاقی، چه در محیط‌های کاری و چه در میدانی ورزشی مسؤل هستند. آنان به عنوان مدیران- مربیان- خبرنگاران، افراد حرفه‌ای و ... مسؤل در ورزش باید با روند تصمیم‌گیری اخلاقی آشنا بوده و حقوق اخلاقی را بدون به خطر انداختن وجدان اخلاقی خود محترم بشمارند (بارتلس و مدین^۳، ۲۰۰۷). اگر چه مطالعات نشان می‌دهد که آگاهی دست‌اندرکاران ورزش از مسؤلیت‌های اخلاقی در نتیجه تأکید روزافزون جامعه بر اخلاق ورزشی در حال افزایش است، اما آنان در شناسایی معضلات اخلاقی و تبیین روشی مناسب برای حل این معضلات با دشواری‌هایی نیز روبرو هستند (کسول و گولد^۴، ۲۰۰۸). متأسفانه علی‌رغم پیشرفت در

1 - Miller

2 - Keating

3 - Bartels & Medin

4 - Caswell & Gould

ریشه های اجتماعی و مبانی فکری روش های ارزشیابی آموزشی و...

علم اخلاق ورزشی، هنوز دانش کمی درباره توانایی ورزشکاران، مربیان و سایر ذینفعان در دنبال نمودن تصمیم‌ها، عقاید و نظرات خود، پیرامون پیامد تصمیم‌ها و تأثیر محیط‌های عمل بر تصمیم‌گیری‌های آنان وجود دارد (مور^۱، ۲۰۰۳).

یکی از کارکردهای اخلاق در ورزش، دستورالعملی است که به هنگام تداخل منافع و علائق افراد در ورزش ارائه می‌دهد (رست^۲، ۱۹۸۷). بطور کلی منظور از تصمیم‌گیری اخلاقی، توانایی فرد در گرفتن تصمیم مناسب در یک وضعیت دشوار اخلاقی است که این نوع وضعیت‌ها به وفور در ورزش کنونی مشاهده می‌شود (فورسایت^۳، ۲۰۰۲). این در حالی است که مدیران، مربیان- ورزشکاران و حتی تماشاگران به طور مشخص تحت فشارهای شغلی، عمومی و رسانه‌ای برای کسب نتیجه در کوتاه‌ترین زمان ممکن هستند. این مسأله یکی از موارد اثرگذاری است که زمینه تصمیم‌گیری‌های غیر اخلاقی در محیط‌های ورزشی را فراهم نموده است (راد^۴ و همکاران، ۲۰۰۷).

اصولاً کاهش چشمگیر حساسیت اخلاقی افراد درگیر در ورزش، موضوعی است که نشان دهنده شیوع نوعی بی‌تفاوتی اخلاقی در محیط‌های ورزشی حرفه‌ای است. به گونه‌ای که افراد نسبت به رفتارهای غیر اخلاقی اطراف خود، توجه، ابراز نگرانی و حساسیت کمتری نشان می‌دهند (کرچمار^۵، ۱۹۹۴). سئوالی که از دیرباز ذهن پژوهشگران را به خود مشغول ساخته، این است که چه کسی مسئول رفتار اخلاقی و غیر اخلاقی در ورزش است؟ بر اساس نظر دی سنسی و روزنبرگ (۲۰۱۰) همه افراد و ذینفعان درگیر در ورزش به نوعی مسئول هستند و تفکیک مسؤلیت‌های آنان امری دشوار است. به تعبیر بردمیر (۱۹۸۵) پرداختن به یک بعد و یا یک گروه ورزشی درگیر در یک ورزش خاص- به عنوان مثال ورزشکاران- به مثابه قضاوت در مورد محتوای یک کتاب از روی جلد آن است و همواره بخش‌هایی از واقعیت‌های اخلاقی که در سایه ارتباط میان ذینفعان و پیش‌فرضهای آنان از یکدیگر آشکار می‌شود از دید پژوهشگران پنهان می‌ماند و این امری است که اغلب به دلیل محدودیت‌های پژوهشی

1 - Moore

2 - Rest

3 - Forsyth

4 - Rudd

5 - Kretchmar

نگاهی به کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه علامه طباطبائی

نظیر حساسیت برانگیز بودن موضوع اخلاق و نیز دشواری‌های مربوط به جمع‌آوری داده‌ها از نظر دور مانده است.

بوکسیل^۱ (۲۰۰۳)، فیلسوف اخلاق معاصر به دلیل پیوند بین ورزش و جامعه و نقش آن در رشد فردی و جمعی، ورزش هر جامعه‌ای را همچون آینه‌ای منعکس‌کننده خویها و بدیهای آن جامعه می‌داند. با این تفاوت که ورزش آینه‌ای است که در ضمن تأثیرگذاری می‌تواند از ارزش‌های جامعه نیز تأثیر بپذیرد. به همین دلیل به هر میزان که جامعه‌ای از صلاح یا فساد برخوردار باشد، بازتاب آن را در رفتارهای ورزشی، اخلاقی یا غیراخلاقی ورزشکاران، مربیان، داوران و به طور کلی جامعه ورزشی می‌توان مشاهده کرد.

گذشته از این که رفتارهای اخلاقی و جوانمردانه حاکم بر جامعه ورزشی می‌تواند ارزش‌هایی را در جامعه نشان دهد که مورد غفلت قرار گرفته‌اند، در ضمن می‌تواند با به نقد کشیدن ناهنجاری‌های حاکم بر جامعه، ارزش‌های حقیقی و اصیل را جایگزین نماید و در مجموع باعث شود تا مردم ارزش‌های غیراخلاقی را نفی کرده و نسبت به ارزش‌های اخلاقی برانگیخته شوند و به این ترتیب افراد و جامعه به سمت اخلاقی شدن پیش بروند (بوکسیل، ۲۰۰۳).

تعریف اخلاق ورزشی:

برای تبیین مفهوم اخلاق ورزشی و مسایل مرتبط با آن در ابتدا به تعریف دو واژه اخلاق و ورزش اشاره‌ای خواهیم داشت:

اخلاق نظری^۲ یا علم اخلاق، مطالعه ارزش‌های حاکم بر رفتار و کردارهای آدمی است، یا به صورت فلسفی و نقادانه، موضوعات و مسائل اخلاقی را بررسی می‌کند، تا مبنایی برای اعمال درست آدمی فراهم گردد. در صورتی که به مجموعه اعمال و کردارهای افراد که بر پایه هنجارها و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی قرار دارد، اخلاقیات^۳ یا اخلاق عملی گفته می‌شود. البته ممکن است این رفتارها با مبنای نظری و فلسفی اخلاق (اخلاق

1 - Boxill, jon

2 - Ethics

3 - Moralities

ریشه های اجتماعی و مبانی فکری روش های ارزشیابی آموزشی و...

نظری) سازگار نباشد یا حتی متضاد باشد ولی شاید منافاتی با هنجارهای اجتماعی و فرهنگی یک جامعه نداشته باشد و حتی قانونی هم اعلام شود. دین یک مبانی اخلاقی بسیار مهمی است که به واسطه نوعی احساس اخلاقی ذاتی (فطرت) یا شعور نفسانی (وجدان)، آدمی را به سمت اعمال نیک، درست و ارزشمند هدایت می کند. درستی چنین رفتارهایی را نمی توان فقط با مطالعه علمی، تجربی و استدلال عقلی اثبات کرد و شاید حتی اثبات آن از این راهها بسیار مشکل باشد، چون رفتارها و ارزش های اخلاقی - ای که از طریق وجدان و فطرت آدمی درک می شود و بروز می یابد، بدون واسطه و برهان، درست و صحیح هستند. همان چیزی که از آن به مثابه تکلیف نیز یاد شده است. بنابراین اخلاقیات مجموعه ای از قوانین بنیادی اخلاقی یا هنجارهای اخلاقی^۱ مانند دزدی نکردن یا مجموعه ای از وظایف، تکالیف یا اصول اخلاقی^۲ را در بر گیرد. خوب یا بد و درست یا غلط بودن این ارزش ها در زمینه ای از سنت ها و عادات اجتماعی - فرهنگی تعیین می شود. (رمضانی نژاد، ۱۳۸۸). علامه طباطبایی (ره) اخلاق را حافظ نظم و انتظام جامعه قلمداد می کند. با تاسی از آیات قرآن کریم، آن نوع اخلاقی مورد تأیید است که، مجموعه ای از اصول و ارزشها باشد که از آموزه های مذهبی و تعالیم معنوی نشأت می گیرد و بدین طریق فرد رفتار خود را کنترل و هدایت کرده و رفتار دیگران را مورد قضاوت قرار می دهد.

زیرا قرآن کریم می فرماید.

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا؛
(سوره بقره، آیه ۱۴۳).

و ما همچنان شما مسلمین را به آئین اسلام هدایت کردیم و به اخلاق معتدل. بیاراستیم تا گواه مردم باشید، تا نیکی و درستی را سایر ملل عالم از شما بیاموزند چنانچه پیامبر (ص) را گواه شما کردیم تا شما از وی بیاموزید.

در این زمینه پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ، همانا من برای تکمیل مکارم اخلاق مبعوث شدم.

برخی از صاحب نظران اخلاق را به مجموعه ای از رفتارهای خارجی اطلاق می کنند که

1 - Moral Norms

2 - Moral Principle

نگاهی به کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه علامه طباطبائی

مطابق با معیارهایی باشد که نظریه‌های اخلاقی مطرح کرده‌اند و بعضی آن را به معنای مجموعه‌ای از ملکات نفسانی می‌دانند. به واسطه وجود همین ملکات خود و بد است که انسانها به افراد خوب و بد تقسیم می‌شوند. فضایل، سایه کمال و سعادت هستند و رذایل، نشانه نقص و باعث شقاوت می‌گردند و مراد از علم اخلاق، فنی است که به معرفی این دو دسته ملکات می‌پردازد تا فرد پس از شناسایی آنها خود را با فضایل بیاراید و از رذایل دوری کند و در نتیجه اعمال نیکی که مقتضای درونی اوست انجام دهد تا در اجتماع انسانی، ستایش عموم و ثنای جامعه را به خود جلب کند و سعادت علمی و عملی خود را به کمال برساند (علامه طباطبائی، ۱۳۸۲).

تعریف دو سازگار با اخلاق فضیلت^۱ است که پرورش ملکات را مقدمه رفتارهای اخلاقی می‌داند و تعریف اول متناسب با دو نظریه سودگروی^۲ و وظیفه‌گروی است که با محور قرار دادن رفتارهای خارجی، معیارهایی را برای اخلاقی بودن آنها ارائه می‌کند. سودگراها کسب سود بیشتر را معیار و غایت رفتارهای اخلاقی می‌دانند و وظیفه‌گراها مطابقت با اصول و وظایف اخلاقی را عامل و نشانه اخلاقی بودن فعالیتها می‌دانند. (فدایی - علوی، ۱۳۸۹). دومین واژه مورد بحث ورزش است که به دلیل آمیختگی‌اش با تربیت بدنی^۳ باید به تعریف هر یک پرداخت. برخی ورزش را مجموعه‌ای از فعالیت‌های حرکتی و تکنیکی سازمان یافته و هدفمند می‌دانند که در جهت حفظ و تأمین سلامتی و افزایش قابلیت‌های جسمانی است. دارای قوانین و مقررات خاص خود بوده و می‌تواند همراه با رقابت، مسابقه، برد و باخت باشد (شعبانی بهار، ۱۳۸۴).

تعریفی دیگر می‌گوید: ورزش فعالیتی است اختیاری که در حیطه آزادی شخص قرار دارد، قاعده‌مند است (رعایت قوانین بازی، امنیت بازی و بازی منصفانه^۴ در این بخش جای دارد) توأم با تلاش و مبارزه فیزیکی است و مستلزم رقابت است. (بوکسیل، ۲۰۰۳). اما تربیت بدنی مقوله‌ای است که در برخی جهات از ورزش و تعاریف آن متفاوت به نظر می‌رسد. در واقع تربیت بدنی بخشی مهم از تعلیم و تربیت است که از طریق حرکات مبتنی بر اصول علمی جریان رشد و تکامل را در تمام ابعاد وجود انسانی

1 - Virtue Ethics
2 - Utilitarianism
3 - Physical Education
4 - Fair Play

ریشه های اجتماعی و مبانی فکری روش های ارزشیابی آموزشی و...

(جسمانی، روانی و اخلاقی) تسهیل و هماهنگ نمودن و به رشد و شکوفایی استعدادهاى فرد کمک می کند. (آذربانی، کلانتری ۱۳۸۵) و شهید بزرگوار و معلم اخلاق شهید رجایی چه زیبا بیان نموده که: «آن قدری که در میادین ورزشی می توان آدم ساخت در کلاسهای درس نمی شود».

- بحران اخلاقی در ورزش:

از نظر شیمانک^۱ سه عامل موجب بحران اخلاقی در ورزش می شود:

- ۱- پیروزی به هر قیمت به صورت یک قانون غیر مکتوب در ورزش.
- ۲- تأکید بیش از حد بر پیشرفت و موفقیت.
- ۳- استفاده از بدن به مثابه یک ابزار، یعنی ورزشکار باید برای موفقیت بر بدن و مهارت خود متکی باشد و چه بسا که برای دستیابی به موفقیت می تواند از راهها و روشهای غیرمتعارف بدن خویش را تقویت نماید.

تأکید بیش از حد بر پیروزی به هر قیمت، بزرگ کردن ورزشکار و بت ساختن از او، تبلیغات جنجالی در برنامه ها و رویدادهای ورزشی و خارج ساختن آنها از این واقعیت که ورزش و حتی زندگی ورزشی فقط بخشی از روند طبیعی زندگی فردی و اجتماعی است، زمینه ساز بروز رفتارهای غیراخلاقی و ضداخلاقی در بین ورزشکاران، مربیان، کارکنان و سایر افراد می شود. شاید برخی استدلال کنند که اعمال نادرست و غلط در محیطهای ورزشی مانند صحنه های تئاتر و نمایش است و ارتباطی به زندگی واقعی ندارد. اما آنها فراموش کرده اند که اهداف تربیتی و اخلاقی ورزش باید بر همه فرآیندهای ورزشی حاکم باشد. اگر چه در مسابقات ورزشی به برنده و نه به رفتار و روش منصفانه جایزه داده می شود، ولی مدیران و مربیان باید کسب پیروزی را با روش درست توسعه دهند تا از فشار تعهد «پیروزی به هر قیمت» از دوش همه دست اندرکاران ورزش کاسته شود. یکی از روش های برخورد با مسائل اخلاقی در سازمان ها و برنامه های ورزشی، تدوین مقررات و قوانین متناسب با شرایط سازمان، وظایف و شرح شغل

نگاهی به کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه علامه طباطبائی

نیروهای انسانی و سطح برنامه‌های ورزشی است. چون این قوانین، رفتارهای احتمالی را محدود و اهدافی را برای رفتارهای افراد تعیین می‌کند (رمضانی نژاد، ۱۳۸۸). در ادامه دیدگاه جورج اورول نویسنده و متفکر توانای انگلیسی که در یکی از نوشته‌های خود با عنوان جوهرهٔ ورزشی^۱، در سال ۱۹۴۵ دربارهٔ ورزش مدرن نگاشته قابل توجه است، وی چنین بیان می‌دارد که: ورزش مدرن هیچ نشانی از بازی جوانمردانه ندارد و می‌افزاید: «ورزش مدرن به عداوت، حسادت، فخرفروشی، بدون در نظر گرفتن هیچ یک از قوانین و دربردارندهٔ نوعی لذت سادیسمی^۲ از تماشای خشونت محدود می‌شود. به عبارت دیگر ورزش امروزی، جنگی است منهای تیراندازی با تفنگ» (گودرزی، ۱۳۹۰). وی معتقد بود ورزش، افراد را در موقعیت‌هایی قرار می‌دهد که به تشویق آنها به نشان دادن رفتارهای غیراخلاقی همانند: تقلب و خشونت و استفاده از داروهای غیرمجاز می‌انجامد (لمیر، ۲۰۰۲).

- سنخیت اخلاق و منش ورزشی:

این عقیده که ورزش موجب ساختن شخصیت اخلاق‌گرا می‌شود، از دوران باستان مطرح بوده است و از همان زمان طرفداران بسیاری (از جمله افلاطون) داشته است. افلاطون در کتاب جمهوریت چنین بیان می‌کند: دو هنر وجود دارد که به اعتقاد من از جانب خدا به بشر هدیه شده‌اند:

موسیقی و حرکات ورزشی^۳. نه به دلیل حضور توأمان روح و جسم، در آنها، بلکه به دلیل موزون بودن آنها. در سده‌های بعد فیلسوفی اگزیستانسیالیست^۴ به نام کامو اظهار داشت مقوله‌ای که در آن به واقع اخلاقیات را آموخت ورزش بود. در اصل، این باور که ورزش شکل مهمی از آموزش اخلاقی است، تنها به چند فیلسوف محدود نمی‌شود،

1 - Sportiny Spirit

2 - نوعی ناهنجاری روانی که فرد از زجر کشیدن دیگران لذت می‌برد.

3 - Gymnastics

4 - معتقد به فلسفه یا اصل اصالت وجود.

ریشه های اجتماعی و مبانی فکری روش های ارزشیابی آموزشی ...

بلکه بطور گسترده‌ای در فرهنگ‌های مختلف وجود داشته و دارد (سیمون، ۲۰۰۱). شرکت در فعالیت‌های ورزشی موجب ارتقای منش ورزشی^۱ می‌شود. منش ورزشی عبارت است از احترام به روابط اجتماعی، احترام به قوانین و مسئولان، تعهد به ورزشی که انجام می‌دهیم، احترام و توجه به حریف و عدم رویکرد منفی در عملکرد ورزشی (تریژر، ۲۰۰۰). بسیاری از نظریه‌های مرتبط با رفتار اخلاقی بیان کرده‌اند که رفتار اخلاق‌گرایانه و ساختارهای مشابه، از بسیاری از عوامل فردی و زمینه‌ای موجود در ورزش متأثر می‌شوند (سای او، ۲۰۰۷).

در یک تحقیق توسط چانتال عنوان شد، یافتن میزان گرایش‌های ورزشکاران بر اساس دسته بندی‌های مختلف در جهت دستیابی به راههایی در زمینه درک و بهبود هر چه بیشتر نگرش‌های مختلف به امر ورزش بسیار کمک خواهد کرد. در سالهای اخیر، تعداد زیادی از محققان بر لزوم تحقیقات وسیع‌تر در زمینه منش ورزشی صحنه گذاشته‌اند. تا به امروز سه دیدگاه نظری در جهت درک هر چه بهتر گرایش به منش ورزشی وجود دارد. اولین آنها، نظریه شناختی - اجتماعی بندورا (۱۹۸۶) است که نشان می‌دهد؛ الگوها و تشویق‌ها تعیین کننده باورهای افراد ورزشکار درباره رفتارهای هنجار و ناهنجار در محیط‌های ورزشی هستند. رویکرد دیگر را «هان» (۱۹۸۳) مطرح کرد و مضامینی از مدل رشد - ساختاری، به ویژه ظرفیت شخص در پذیرش توافقات به عمل آمده درباره مسائل اخلاقی را در بر می‌گیرد که به نظر در تضاد با برخوردهای خشونت‌آمیز است و در نتیجه موجب بروز تمایلات رفتاری همسان می‌شود که با مقوله منش ورزشی هم‌آهنگ است. به طور اخص، منطق اخلاقی از این مقوله نشأت می‌گیرد.

دیدگاه روانی - اجتماعی سومین دیدگاه نظری درباره منش ورزشی است که والراند و همکارانش (۱۹۹۶) مطرح کردند. مفهوم اول آن بیان می‌کند که منش ورزشی مشتمل بر نشان دادن الزام و اهمیت به قوانین و مسئولان است، حتی اگر داوران یا مسئولان، ورزشکار را با آن در جریان مسابقه جریمه کنند. دومین مفهوم مشتمل بر نشان دادن احترام و اهمیت به حریف است، برای نمونه ورزشکار باید از برنده شدن بدون انجام مسابقه، برای مثال در شرایطی که حریفش آسیب دیده یا تأخیر داشته، خودداری کند.

نگاهی به کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه علامه طباطبائی

مفهوم سوم در خصوص پذیرش توافقنامه‌ای عمومی و نانوشته در ورزش است (برای نمونه این که بازنده سربلندی باشد). مفهوم چهارم، در مورد کیفیت تعهد فرد به ورزش است، حضور منظم در جلسات تمرین و سخت تمرین کردن نشان دهنده این مفهوم هستند.

در تقابل با همه این موارد، پنجمین مفهوم درباره رویکرد منفی در قبال شرکت در ورزش است و گواه آن ذهنیت «برد به هر قیمت» است که در نتیجه آن ورزشکار تمایل می‌یابد قوانین را زیرپا بگذارد و از رفتار خشونت آمیز استفاده کند. (گودرزی، ۱۳۹۰).

تحقیقات انجام شده در زمینه گرایش به منش ورزشی، نتایج یکسانی را نشان نداده‌اند. تحقیقات میلر و جارمن (۱۹۸۸) و برد مایر و شیلدز به این نتیجه رسیدند که در رشته‌های تیمی (بسکتبال) نسبت به ورزش‌های انفرادی (شنا) به دلیل نوع تعاملات موجود در این ورزش‌ها، شاخص‌های پایین‌تری از منش ورزشی مشاهده می‌شود.

بردمایر (۱۹۹۵) در تحقیقی درباره کودکان ۹ تا ۱۲ ساله مشاهده کرد، گرایش‌های اخلاق‌گرایانه بین دختران و پسران تفاوت معناداری ندارند. دودا و همکاران (۱۹۹۱) سطح بالاتری از عملکرد اخلاق‌گرایانه را در میان زنان نسبت به مردان مشاهده کردند. والراند و همکاران (۱۹۹۶) در تحقیقات خود دریافتند، ورزشکاران رشته‌های انفرادی احترام و اهمیت بیشتری برای حریفان خود قائل هستند.

- اخلاق و نوع ورزش:

در بررسی انواع ورزش و با مقایسه کردن مشخصات مهم ورزش‌ها از گذشته تا امروز می‌توان هشت دسته از ورزش‌ها را در ارتباط با اخلاق و نوع ورزش مطرح کرد که عبارتند از:

- ۱- تقابل فرد با طبیعت مثل؛ ورزش کوهنوردی- اسکی روی یخ یا روی چمن.
- ۲- تقابل فرد با فرد بطور جداگانه؛ مثل: ژیمناستیک- ورزش‌های میدانی مانند: پرش طول و ...
- ۳- تقابل فرد با فرد در رو در رو جداگانه؛ مثل: تنیس روی میز- بدمینتون.
- ۴- تقابل افراد با افراد در رو در رو جداگانه؛ مثل: والیبال- تنیس دوبل.
- ۵- تقابل افراد با افراد در رو در رو همراه با تماس بدنی؛ مثل: فوتبال- هندبال.

ریشه های اجتماعی و مبانی فکری روش های ارزشیابی آموزشی و...

- ۶- تقابل فرد با فرد همراه با تماس بدنی شدید کنترل شده؛ مثل: کشتی - جودو.
۷- تقابل فرد با فرد همراه با تماس بدنی شدید کمتر کنترل شده؛ مثل: مشت زنی - سانشو.

۸- تقابل فرد با فرد همراه با تماس بدنی کنترل نشده؛ مثل: کیک بوکسینگ.
دسته اول رقابت‌هایی هستند که تلاش افراد در جهت غلبه بر طبیعت است. تلاشی که فرد برای پیروزی نیازی به حریفی دیگر برای غلبه بروی یا دفاع از خود ندارد. برای مثال در کوهنوردی و صخره نوردی، فرد برای غلبه بر موانع طبیعی نیاز به توانایی جسمی و بدنی دارد (بوکسینگ، ۲۰۰۳). به نظر می‌رسد در اثبات بعد اخلاقی این گونه ورزش‌ها، می‌توان به ترکیب جنبه‌های ذهنی و روانی و جسمانی فرد برای رسیدن به یک هدف خاص اشاره کرد که جنبه‌های ورزش حرفه‌ای و به دور از اخلاق را به همراه ندارد. البته این در صورتی است که افراد برای غلبه بر طبیعت یا رسیدن به قله یا مکانی خاص با یکدیگر رقابت نداشته باشند! چون در این صورت ممکن است موارد غیراخلاقی مانند کاربرد مواد نیروزا- فریب و ... بروز نماید.

در دسته دوم از فعالیت‌های ورزشی، فرد با حریفان مواجه می‌شود. در ورزش‌هایی چون ژیمناستیک، پرش طول و ... می‌توان به وضوح این موضوع را مشاهده کرد. در این نوع ورزش‌ها فرد تلاش می‌کند، بهترین عملکرد خود را در حین مسابقه نشان دهد. به عبارتی هر ورزشکاری بطور جداگانه قدرت و مهارت خود را نمایش می‌دهد. مقایسه اخلاقی این گونه ورزش‌ها نشان می‌دهد، حریفانی که فرد با آنها مسابقه می‌دهد، فقط حریف هستند و نباید به عنوان دشمن به آنها نگریسته شود.

در دسته سوم از فعالیت‌های ورزشی، فرد یا افراد به شکل رو در رو با حریف یا حریفان خود مواجه می‌شوند. به عبارت دیگر بدون وجود حریفی یا حریفانی که فرد یا افراد بتوانند با آنها رقابت کنند، نمی‌توانند بهترین اجرا و توانایی خویش را نشان دهند، ضمن این که در این رقابت‌ها برخورد بدنی وجود ندارد. مانند: تنیس و بدمینتون انفرادی یا دوئل و والیبال و ... در این نوع ورزش‌ها، چون جنبه‌های تماس بدنی وجود ندارد، فرد فقط از طریق یافتن نقاط ضعف حریف و افزایش توان خود و داشتن تمرینات مناسب می‌تواند به پیروزی دست یابد. گاه دیده می‌شود در این گونه ورزش‌ها نیز افراد از مواد

نگاهی به کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه علامه طباطبائی

نیروزا و یا دست‌کاری تجهیزات بازی و یا رشوه دادن به داوران و سایر مسئولین استفاده می‌کنند و ارزش‌های اخلاقی را زیر سؤال می‌برند.

در نوع چهارم که از دسته ورزش‌های رو در رو می‌باشد و در آن تماس بدنی نیز وجود دارد مانند: هندبال- فوتبال و ... به دلیل موقعیت بازی، زمان و فضای بازی، استراتژی بازی نیز تغییر می‌کند. در این گونه ورزش‌ها ممکن است هرگونه رفتار غیراخلاقی و یا ضداجتماعی از جانب بازیکنان بروز و ظهور نماید و بنا به استقبال مردم جامعه از تماشای آن ورزش‌ها محتمل است که بازیکنانی مطرح شوند که از لحاظ رفتاری و اخلاقی الگوی مناسبی برای قشر نوجوان و جوان نبوده و یا نماینده واقعی آن جامعه نباشند. و دسته پنجم فعالیت‌های ورزشی که رو در رو بوده و همراه با تماس بدنی شدید کنترل شده مانند: جودو- کشتی و نیز در دسته ششم ورزش‌ها با تماس بدنی کمتر کنترل شده مانند: مشت‌زنی و سانشو، مشکلاتی چون عصبانیت، تجاوز از قانون، تهاجم، فریب دادن و ... افزایش پیدا می‌کند. در ورزش‌های نوع اخیر، با توجه به نوع بازی، سطح و زمان مسابقه و فشردگی این گونه فعالیت‌ها، نمی‌توان ادعا کرد که باید اجرای کامل و منحصر به فردی از بازیکنان انتظار داشت ولی با رعایت قانون، تلاش فراوان البته نه غیرورزشی و غیراخلاقی و با توجه به برخی مشخصات ذاتی ورزش از جمله ارزش‌های درونی و بیرونی آن و با آموزش اصول اخلاقی می‌توان نمایش زیبایی از روح واقعی ورزشکاری را به نمایش گذاشت.

و مورد دسته آخر که ورزش‌های رقابتی رو در رو همراه با تماس بدنی کنترل نشده است، با توجه به این که نیت اصلی ورزشکار از اجرای مسابقه صدمه زدن به حریف و از میدان به در کردن وی است از نظر اکثر قریب به اتفاق صاحب‌نظران مورد تأیید و تأکید نمی‌باشد با این وجود باز هم رعایت موارد و موازین اخلاقی نیز در این گونه ورزش‌ها توصیه و سفارش گردیده است بدین نحو که حتی اگر هدف اصلی از مسابقه از کار انداختن حریف و چیره شدن بر وی است، این پیروزی می‌بایست با تکیه بر توانایی و مهارت شخص باشد نه متوسل شدن به موارد غیرقانونی و غیر اخلاقی.

در بررسی رهیافت‌های اخلاقی و کاربرد آن در فعالیت‌های مختلف ورزشی به تقسیم‌بندی دیگری نیز باید اشاره کرد. در این تقسیم‌بندی، ورزش بر روی پیوستاری قرار می‌-

ریشه های اجتماعی و مبانی فکری روش های ارزشیابی آموزشی و...

گیرد. در یک سمت این پیوستار، بازی^۱ قرار دارد و در سمت دیگر این پیوستار رقابت^۲ و ورزش قهرمانی^۳ که التزام به پیروزی دارد. (شکل ۱). (بای جان، ۱۳۸۶).

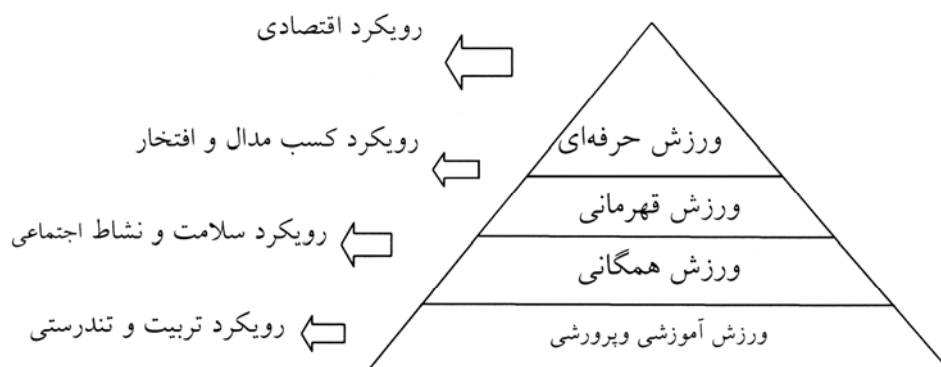
مسابقه و رقابت + ورزش قهرمانی
ورزش ← ----- → بازی

التزام به تفریح و بازی

مطابق با پیوستار فوق شرکت کنندگان در ورزش ملزم به رعایت روح بازی و پیروزی در شرایط برابر هستند. بسیاری از فعالیت های فوق برنامه ورزشی نیز در این سطح قرار دارند. هر اندازه به سمت ورزش قهرمانی و مسابقات و رقابت حرکت کنیم، از رعایت روح بازی کاسته شده، به سمت التزام به پیروزی پیش می رویم. این امر باعث می شود در برخی از شرایط، افراد بسیاری از اصول اخلاقی و بازی منصفانه ورزشی را در شرایط برابر زیر پا نهاده، با خشونت، به کار بردن مواد نیروزا (دوپینگ)، زیر پا نهادن قانون، شرط بندی و ... جنبه ورزش منصفانه را خدشه دار کنند. در سمت دیگر این پیوستار، هر اندازه به سمت بازی پیش برویم؛ التزام به تفریح و بازی بیشتر می شود و این همان هدف تقسیم بندی و فعالیت بدنی تحت عنوان فوق برنامه ورزشی است که اهداف تفریح، غنی سازی اوقات فراغت، آمادگی جسمانی، رفاقت، تکوین شخصیت و رهبری گروه را در بر می گیرد. موارد فوق تأکیدی است بر باور طرح (نظام) جامع ورزش کشور جمهوری اسلامی ایران که در آن فعالیت های بدنی به صورت یک هرم چهار لایه طراحی شده که ترتیب عملیاتی شدن آن از قاعده آغاز و به راس منتهی می شود. این ارکان به ترتیب شامل: ورزش آموزشی و پرورشی با رویکرد تربیت و تندرستی، ورزش همگانی با رویکرد سلامت و نشاط اجتماعی، ورزش قهرمانی با رویکرد کسب مدال و افتخار و ورزش حرفه ای با رویکرد اقتصادی می باشند.

1 - Play fui, Game
2 - Copetition
3 - Athletics

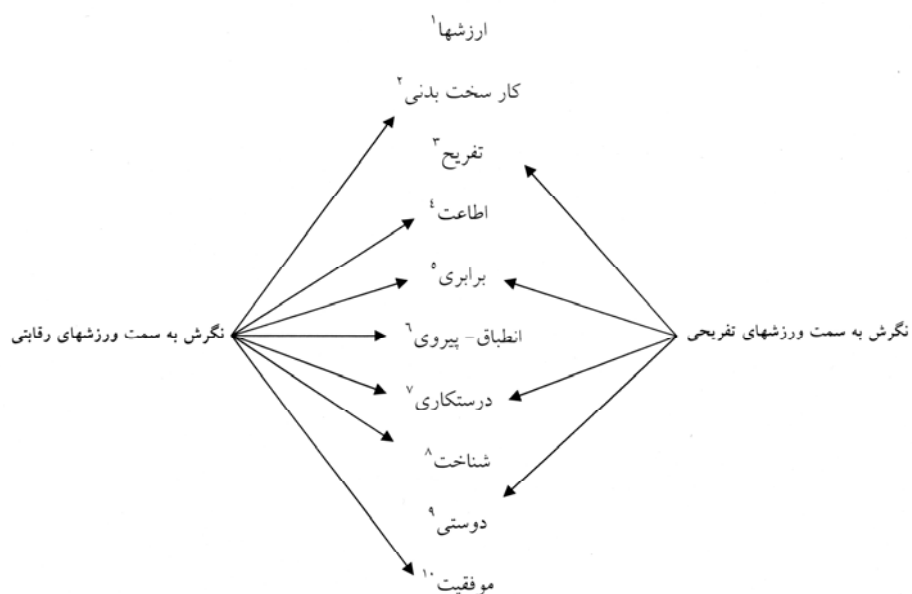
نگاهی به کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه علامه طباطبائی



شکل ۲- هرم نظام جامع ورزش کشور

در دو مدل ورزش آموزشی و پرورشی و ورزش همگانی، اخلاق نقش اساسی و زیربنایی را ایفا می‌کند، بویژه در مدل ورزش آموزشی پرورشی توجه و تمسک به سجایای اخلاقی، اساس کار تعلیم و تربیت را تشکیل می‌دهد. ذکر این نکته لازم و ضروری است تا توجه دست اندرکاران و برنامه ریزان ورزش کشور را به این مطلب جلب کنیم که طبق آمار موثق میانگین مدرک تحصیلی بازیکنان لیگ برتر فوتبال در سال ۹۰ در حد سوم راهنمایی می‌باشد (سایت الف ۱۳۹۰). این میانگین سطح تحصیلات، گویای این مطلب است که متأسفانه اکثر قریب به اتفاق بازیکنان لیگ برتر فوتبال که بعضاً مشاهده می‌گردد به عنوان الگوی نوجوانان و جوانان کشور مورد توجه رسانه‌ها و جامعه جوان واقع می‌شوند، سطوح ابتدایی و زیربنایی که ورزش پرورشی و تربیتی که در اصل متولی اصلی آن وزارت آموزش و پرورش (مدارس) و در مرحله بعدی دانشگاه‌ها می‌باشند را بدرستی طی نکرده و این مراحل را نگذاریده یا به نوعی آموزش لازم در مسائل اخلاقی و تربیتی ورزش را دریافت نکرده‌اند. با توجه به ارزش اخلاق و کاربرد آن در ورزش به تئوری ارتباطات فرضی که تعیین کننده ارزش‌های فردی است و این ارزش‌ها خود باعث نگرش به سمت دو دسته ورزش‌های رقابتی و تفریحی می‌گردد، اشاره می‌کنیم.

ریشه های اجتماعی و مبانی فکری روش های ارزشیابی آموزشی و...



شکل ۳- تئوری ارتباطات فرضی تعیین کننده ارزشهای فردی
(chelladurai, packianathan 1999)

نمودار فوق، از بعد اخلاقی ما را به این نتیجه می‌رساند که آنچه در بین هر دو نوع ورزش تفریحی و رقابتی مشترک است و ورزشکاران و مربیان و داوران و ... باید به آن توجه

- 1- Values
- 2- Hard Work
- 3- Plea Sure
- 4- Obedience
- 5- Equality
- 6- Conformity
- 7- Honsety
- 8- Recognition
- 9- Friend Ship
- 10- Success

نگاهی به کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه علامه طباطبائی

داشته باشند، برابری و درستکاری است. وقتی نوع ورزش به رقابتی میل می‌کند، تمرینات سخت بدنی، اطاعت از قانون، پیروی از تیم و مربی، شناخت از خود و حریف و توجه به موفقیت ضروری است. وقتی نوع ورزش به تفریحی میل می‌کند تفریح، برابری، درستکاری و درستی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. بنابراین می‌توان گفت در هر نوع ورزشی و تحت هر شرایطی درستکاری و برابری که به معنای داشتن روحیه منصفانه و اخلاقی است، باید رعایت شود و با رعایت این دو نکته مهم و آموزش آن می‌توان دنیای ورزش را عاری از رفتارهای غیراخلاقی نمود. بنظر می‌رسد این امر تأییدی است بر تعاریف ورزش پهلوانی در ایران قدیم و یونان باستان که به درستکاری بسیار اهمیت می‌دادند. در ضمن موارد فوق مطابق با نظر یکی از نظریه پردازان اخلاق ورزشی بنام کیتینگ^۱ است که معتقد است، در انجام دادن یک فعالیت ورزشی، خواه رقابتی، خواه تفریحی، باید فرد تمامی تلاش را برای نشان دادن بهترین اجرای خود انجام دهد، اما تلاشی که مطابق با روحیه ورزشکاری و جوانمردی^۲ باشد (پیرسون و کاتلین، ۲۰۰۳).

پیشینه اخلاق ورزشی:

در بررسی این مورد ابتدا با چند پرسش اساسی مواجهیم، آیا بحث اخلاق ورزشی موضوع جدیدی است یا در گذشته نیز مطرح بوده است؟ آیا رفتارهای ضد اخلاقی در ورزش از گذشته وجود داشته یا پیشرفت علم و جوامع آن را ایجاد یا تشدید کرده است؟ آیا زیر پا نهادن قوانین و مقررات بازی، از دست رفتن روح بازی و رقابتی منصفانه در صحنه‌های ورزشی، اندیشمندان را با این پرسش اخلاقی مواجه کرده که پیروزی به هر قیمت ارزشمند و اخلاقی است؟ برای پاسخ به این سئوالات ناگزیریم نگاه کوتاهی به تاریخ بیاندازیم.

فرهنگ جوامع مختلف حاکی از این است که از ورزش به گونه‌های مختلف بهره گرفته می‌شده و گاه جنبه‌های اخلاقی آن بسیار ضعیف بوده است. مثلاً در روم باستان گلاادیاتورها از ورزش برای تنومند شدن و کشتن حریفان در میدان‌های رزم استفاده می‌کردند تا موجب بقاء خود شده، تفریح و شادی شاهان و امپراطوران را فراهم آورند.

1 - Keating, James W.

2 - Sports man ship & Fire Play

ریشه های اجتماعی و مبانی فکری روش های ارزشیابی آموزشی و...

در روم قرون وسطی، راهبان مسیحی، تنومندی جسم و تن را مردود می‌شمردند. آنها اعتقاد داشتند هر چه تن قوی‌تر شود، روح ضعیف‌تر خواهد شد. اما یونان و ایران از جمله کشورهایی بودند که اخلاق، جوانمردی و درستی را در ورزش، یک ارزش اجتماعی می‌دانستند (کاشف، ۱۳۸۰).

همچنین، جستجو در ادبیات پیشینه ایران نشان می‌دهد، ایران از زمان‌های بسیار قدیم و به ویژه پس از پذیرش اسلام و تأثیرات آن در کلیه شئون زندگی، معنویت و اخلاق را با فرهنگ ورزشی و ورزشکاری عجین نموده است. تاریخ معنوی و فرهنگی ورزشی ایران مزین به اعمال جوانمردانی است که ایمان، اخلاق، اخلاص، راستگویی، پاکی و سایر صفات عالی انسانی، سرلوحه اخلاق پهلوانی آنان بوده است.

بطور کلی در میان کشورهای مشرق زمین، ایران کشوری بود که برای تعلیم و تربیت بدنی و سلامت تن و روان اهمیتی خاص قائل بود. در ایران قدیم، ورزش پهلوانی و رزمی و وزنه‌برداری برای شرکت در جنگ معمول بود. همانطوری که حکیم ابوالقاسم فردوسی در رابطه با پهلوانی و جنگ‌آوری رستم و سهراب و کشتی پهلوانی دو پهلوان پدر و پسر یعنی رستم و سهراب بیان می‌کند و حتی حضور زنان پهلوان در شاهنامه فردوسی می‌درخشد، حضور و حرکت گردآفرید به عنوان یک زن قهرمان و پهلوان در جنگ، نشان از روحیه ایرانیان برای اهمیت تربیت بدنی و کاربرد آن در میدان نبرد با دشمنان داشت.

هرودوت مورخ شهیر یونانی می‌نویسد: ایرانیان از پنج تا بیست سالگی سه چیز را می‌آموختند:

۱- سوارکاری، ۲- تیراندازی با کمان، ۳- راستگویی. جوانان تمرینات روزانه را از طلوع آفتاب با دویدن و پرتاب سنگ و پرتاب نیزه آغاز می‌کردند و از جمله تمرینات معمولشان، ساختن با جیره اندک و تحمل گرمای بسیار و پیاده‌روی‌های طولانی و عبور از رودخانه بدون خیس شدن سلاح‌ها و خوابیدن در هوای آزاد بود. سوارکاری و شکار نیز دو فعالیت معمول و رایج بود و جستن بر روی اسب و فرو بردن از روی آن در حال دویدن و بطور کلی سرعت و چالاکی از ویژگی‌های سوارکاران سواره نظام ایران بود. هنستین، مورخ دیگر یونانی می‌نویسد: پارتها جنگ و شکار را دوست داشتند. این قوم از

نگاهی به کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه علامه طباطبائی

دوران طفولیت تا به هنگام کهولت همیشه با ورزش و تمرینات سخت جنگی و شکار بار آمده بودند (خزایی، ۱۳۸۲).

در زمان حکومت‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس در بلاد اسلامی، خصوصاً در ایران اسلامی، پرداختن به تربیت بدنی و ورزش بیشتر در سه جمعیت (فتیان، عیاران و شطاران) مشاهده می‌شود.

الف. فتیان:

فتوت در لغت از لفظ «فتی» گرفته شده و به معنی مردی و مردانگی آمده است و فتیان یا جوانمردان از زمان‌های بسیار قدیم حتی پیش از ظهور اسلام زیست می‌کردند و پس از گسترش اسلام از فرهنگ غنی اسلام و تشیع سود جستند و به فتوت و جوانمردی جهتی صحیح داده و شهرت پهلوانی و خصال انسانی آنها زبانزد خاص و عام شد. در قرآن کریم در سه مورد از جوانمردی با لفظ فتی ذکر به بیان آمده است: یکی در مورد حضرت ابراهیم (ع) و دیگری در حق حضرت یوسف (ع) و سومی، درباره اصحاب کهف می‌باشد. از آنجا که ابراهیم (ع) نفس و مال و فرزند خود را به ترتیب فدای محبت حق تعالی و قربانی فرمان دوست کرد، او را جوانمرد و فتی خواند. حضرت یوسف (ع) را از آن جهت جوانمرد گویند که گناه برادران را به روی ایشان نیاورد و بالاخره قرآن مجید اصحاب کهف را به دلیل آن که روی به حق آوردند و پشت بر اهل و مال و ارقاب کردند و از لذات دنیوی دست کشیدند و توجه به رحمت خداوندی کردند، جوانمرد خواند. اخبار و روایات درباره فتوت و جوانمردی فراوان است، چنانچه صاحب فتوت و کرامت، حضرت علی (ع) ارکان فتوت را چهار اصل دانسته:

۱- عفو کردن با توانایی، ۲- بردباری در وقت خشم، ۳- نیک اندیشی با دشمن، ۴- ایثار کردن با وجود احتیاج.

در ایران، اهل فتوت به خاندان نبوت و امامت و خصوصاً حضرت علی (ع) گرویدند و قدرت جسمی و فکری و وارستگی و صمیمیت و حق‌طلبی و فروتنی و بی‌باکی و سخاوت و جوانمردی علی (ع) را بزرگترین سرمشق فعالیت‌ها و اعتقادات خود قرار دادند و به نام او تولی جستند. لذا آیین پهلوانی در ایران از مذهب شیعه الهام گرفت و

ریشه های اجتماعی و مبانی فکری روش های ارزشیابی آموزشی و...

اخوت و فتوت نشأت گرفته از تشیع، مروّج حق امامت حضرت علی (ع) گردید.

ب. عیاران:

در حاشیه کتاب تاریخ ملک الشعراء بهار چنین آمده است که عرب اشخاص کاری و چابک و هوشیار را که در هنگام غوغاها خودنمایی کرده و یا در جنگها جلدی (چابکی) و فراست به خرج داده اند، عیار نامیده است. از تاریخ بر می آید که در زمان بنی عباس، عیاران در خراسان و بغداد فزونی گرفتند، مخصوصاً در سیستان و نیشابور فعالیت آنها دامنه و وسعت بیشتری پیدا کرد. اینان در هر شهری برای خود رئیس انتخاب می کردند و او را سرهنگ می نامیدند. گاهی در یک شهر تشکیلات عیاران دارای چند هزار عیار می گشت. آنها از مردان غیور این مرز و بوم بودند که در راه جهاد با خلفای بنی امیه و بنی عباس پیوسته مراقب حال فقرا و ضعفا بودند. اگر حکومت و زورگویان حقوق فرد یا افرادی را غصب می نمودند و در کمک به مستمندان قصور می کردند ایشان ابتدا آنان را به اعاده حق مردم دعوت می کردند و چنانچه به این تذکر بی اعتنایی می نمودند، عیاران به زور، وجوه سنگینی را از آنها دریافت کرده و همه را بین فقرا و صاحبان حق تقسیم می کردند.

عیاران پرشور و شجاع در مراکز قیام خود دفاع از خاندان نبوت و امامت را شعار مبارزه خود قرار داده بودند و به پیروی از مکتب امیرالمومنین (ع) و اعتقاد پاک شیعه، به شدت با دشمنان می جنگیدند.

در قابوس نامه عنصرالمعالی در وصف عیاران چنین آمده است: جوانمردترین عیاران آن بود که او را چند هنر بود. به هر کاری بردبار باشد، دلیر و مردانه بود، به کس زیان نکند، پاک دل و پاک سرشت باشد، به عهد خود وفا کند.

ج. شطاران:

در فرهنگ عرب به معنای کثیرالتردد به کار رفته است که حرفه اصلی آنها راهپیمایی یا دویدن در مسافتهای طولانی بوده است. از این جهت گروهی شطاران را دوندگان حرفه ای دنیای قدیم می دانند، شطاران، تقوا و صداقت و امامت و جوانمردی را به مثابه عیاران زنده نگه می داشتند. لازم به یادآوری است که ورزش و تربیت بدنی ایران تا قرن

نگاهی به کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه علامه طباطبائی

ششم هجری در دو جمعیت فیتان و عیاران اهمیت بیشتری داشت. شطاران نیز به این فعالیت‌ها می‌پرداختند. زورخانه به عنوان یک هسته مقاومت و انسجام دهنده بود که در آن عملیات ورزشی انجام می‌دادند. ارسال نامه‌ها و پیام‌های سری نظامی به وسیله شطاران از شهری به شهری انجام می‌گرفت. آنان نقشه‌ها و پیامهای جنگی و ... را در حال دویدن به مقصد مورد نظر می‌رساندند.

در بررسی تاریخی و در نگاهی اجمالی به برگزاری رویدادها و مسابقات مدون ورزشی که تا حدی از سطح جامعه فراتر رفته و با گذر از مرزها، جنبه گسترده‌تری به خود می‌گیرد، به مسابقات المپیک می‌رسیم. بارون پیردو کوبرتن^۱ به عنوان احیا کننده جنبش المپیک در سال ۱۸۹۶ در جهان شناخته می‌شود. وی می‌گوید: المپیزم، فلسفه‌ای در زندگی است که صفات جسمانی، ارادی و فکری را در هم آمیخته و بقا می‌بخشد. المپیزم یا در هم آمیختن ورزش از یک سو و فرهنگ و آموزش از سوی دیگر، روشی را در زندگی شکل می‌دهد که بر پایه لذت بردن از تلاش و ارزش‌های آموزشی و احترام به اصول اخلاقی جهانی، استوار است (جکسون، ریچارد پالمر، ۲۰۰۵). در نتیجه جنبش المپیک، اهداف اخلاقی، آموزشی و بین‌المللی را در هم می‌آمیزد و بدان توجه ویژه‌ای دارد.

در مراسم افتتاحیه بازیهای المپیک، یکی از ورزشکاران از طرف ورزشکاران و یکی از داوران نیز از طرف داوران سوگند یاد می‌کنند تا در برابر «روح واقعی ورزشکاری» متعهد باشند. تبعیت از مقررات و دیگر رفتارهای منطبق با روح ورزش، مترادف با واژه بازی منصفانه یا «Fair Play» است، اما در این دوره مسابقات بازی منصفانه که باید به واقع نمایی از نگرش و اعتقاد به ورزش همراه با اخلاق باشد، برآستی تا چه حد قابل مشاهده است؟

بطور کلی پنج برداشت از ورزش شده است: ۱- ورزش به معنای محوریت فضایل و فعالیت‌های مطابق با آن. ۲- به معنای بازی. ۳- به معنای رقابت منصفانه^۱. ۴- به معنای احترام به قوانین^۲، ۵- به معنای توافق یا قرارداد^۳.

1 - Pierre De Coubertin
1 - Fair Contest
2 - Respect For Rules
3 - Contract or Agreement

ریشه های اجتماعی و مبانی فکری روش های ارزشیابی آموزشی و...

بررسی اجمالی بعضی از دیدگاه‌های مهم اخلاقی:

در طول تاریخ هرگز توافقی کلی میان فیلسوفان علم اخلاق درباره علت‌های اساسی قضاوت‌های اخلاقی صورت نگرفته است در نتیجه پرسش‌های بسیاری را می‌توان درباره رفتار اخلاقی طرح کرد. برای مثال؛ آیا مردم به گونه‌ای کلی بر اساس علایق خود عمل می‌کنند؟ آیا می‌توانند به واقع نگران رفاه و آسایش دیگران باشند؟ آیا مردم از نظر اخلاقی بدون احساس وظیفه یا اجبار اخلاقی عمل می‌کنند؟ آیا معیارهای اخلاقی جهانی هستند یا نسبی و وابسته به فرهنگ‌ها هستند؟ آیا تصمیم‌های اخلاقی به سادگی بر پایه فرضیه‌های ذهنی فرد استوار هستند؟ زمینه‌های اخلاقی عدالت و انصاف چیست؟ حقوق فردی، انسانی، مدنی، اخلاقی و قانونی چیست؟ (رضوی - بلوریان، ۱۳۸۴).

اخلاقیات به عنوان سیستمی از ارزشها و باید و نبایدها در سازمان، راهنمای عمل مدیران و کارکنان در تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌هایشان تلقی می‌شود. نقش اخلاق در عملکردها و رفتارها در برخوردها و ارتباطات، در گزینش‌ها و ارزیابی‌ها مهم و تعیین کننده است و هیچ سازمانی بدون داشتن نظام اخلاقی قادر به ادامه حیات نخواهد بود.

اما پرسش اساسی در این نظام ارزشی، چگونگی ایجاد، حفظ و صیانت آن است. دیدگاه‌های اخلاقی متفاوتند و هر یک به گونه‌ای خاص اخلاقی بودن را توصیف و تعریف می‌کنند و این تفاوت و گوناگونی در نظام اخلاقی سازمان انعکاس می‌یابد. دیدگاه‌های اخلاقی آرمانگرا، انسانگرا، نسبی‌گرا و سودمندگرا هر کدام به جنبه‌ای از اخلاقیات می‌پردازند و ساخت خاصی از اخلاق را مطرح می‌کنند و سازمان را در مقابل این انتخاب دشوار قرار می‌دهند که کدامین دیدگاه مصلحت و خیر سازمان و ذینفعان آن را تأمین و تضمین می‌کند؟

نگاهی به این دیدگاه‌ها، گونه‌گونی آنها را روشن می‌کند. در اندیشه‌های اخلاقی آرمانگرا که نوعی اخلاق الهی را تصویر می‌کنند، ابعاد اخلاقی سازمان مبتنی بر تقوا، پرهیزکاری، عدالت، صداقت، پاکدامنی و فضیلت‌های انسانی است. در این دیدگاه، اصول اخلاقی مطلق وجود دارند که همگان متعهد به رعایت آنها هستند و ارزش‌ها حالت مقدسی دارند که تخطی از آنها نابخشودنی است. اصول اخلاق مذاهب و ادیان

نگاهی به کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه علامه طباطبائی

در این دیدگاه نقش عمده و اصلی را ایفا می‌کنند و ارزش‌های اخلاقی مذاهب از جهان بینی‌های اعتقادی سرچشمه می‌گیرند. از دیدگاه علامه طباطبائی (ره) اخلاق دینی یعنی اخلاقی که ادیان الهی و توحیدی انسان را به آن فراخوانده‌اند و ماهیت سعادت باورانه دارند و همچنین قوانین عملی (در جامعه) در گرو و بر عهده اخلاق است، چون که اخلاق در سَر و آشکار، خلوت و جلوت، وظیفه و کار خود را خیلی بهتر از یک پلیس مراقب یا هر نیروی دیگری که در حفظ نظم کوشش می‌کند، انجام می‌دهد. در نهایت علامه، اخلاق را حافظ نظم و انتظام جامعه قلمداد می‌کند و می‌افزاید: فطرت اخلاقی به صورت تدریجی در انسان شکوفا می‌شود: مرحله اول - مرحله ضعیف آن که سلامت فطری است و خداوند در دوران کودکی آن را به آدمی ارزانی می‌دارد. (این مرحله در زمانی است که کودک بایستی مراحل تربیتی و پرورشی را در مدارس بگذراند و مبانی ابتدایی اخلاقی را از طریق خانواده، گروه همسالان و ورزش پرورشی آموزش ببیند). مرحله دوم: مرحله بالاتر در بزرگسالی است، وقتی که آدمی به خانه عقل می‌نشیند به وی اعطا می‌شود. (اعتدال در تعقل وجودت در تدبیر). مرحله سوم: بعد از ممارست در اکتساب فضایل به انسان اعطا می‌شود (ملکه تقوی).

متفکران دیگری مانند: توشیهیکو ایزوتسو¹ در سایه تأملی که در باب اخلاق قرآنی و مقایسه آن با اخلاق رایج در عربستان و اخلاق عام اجتماعی انجام می‌دهد، به این نتیجه می‌رسد که قرآن مفاهیم اخلاقی را از ساحت اجتماعی و انسانی آن به تراز دینی می‌رساند و سورن کی یرکیارد² از بنیان‌گذاران گرایش و مکتب انگزیستانسیالیسم، نیز در تحلیل خود از ساحت‌های وجودی انسان آن را در سه سپهر مطرح می‌کند:

احساسی، اخلاقی، دینی. وی می‌گوید: «اخلاق دینی ساحتی است که در آن انسان به اعلی درجه «هست» است. بودن در حوزه اخلاق کافی نیست بلکه باید در حوزه اخلاق دینی باشیم اخلاق دینی مبتنی بر ایمان است و خصوصیت بارز آن رنج و محنت است» در نهایت وی با توصیفی که بر مبنای خود از اخلاق دینی می‌کند، آن را برتر از اخلاق احساسی و اجتماعی می‌داند. (امید، ۱۳۸۸).

یکی از عوامل قدرتمند و هدایتگر اخلاقی، مذهب است. مذهب مانند قانون می‌تواند

1 - Toshihiko Izutso

2 - Soren Kierkegaard

ریشه های اجتماعی و مبانی فکری روش های ارزشیابی آموزشی و...

بسیاری از رفتارهای اخلاقی را در جامعه گسترش دهد. اگر چه، هر رفتار قانونی ممکن است اخلاقی نباشد، ولی بخشی از رفتارهای درست اجتماعی توسط قانون مشخص می شود. البته اقتدار مذهب بسیار مهم است، چون افراد در زمانی که با مشکلات پیچیده اخلاقی روبرو می شوند، یا قانون را نارسا می پندارند به اصول و تعلیمات مذهبی روی می آورند و پاسخ ها یا تصمیمات خود را بر اساس آن تنظیم می کنند. (در جوامع غیرمذهبی) شاید اخلاق و قانون، در بسیاری از موارد متفاوت از هم باشند، در صورتی که دین و مذهب همیشه راهنما و همانند اخلاق هستند (رمضانی نژاد، ۱۳۸۸).

در دیدگاه انسانگرا، رعایت حقوق افراد و حفظ کرامت انسانی، اصلی اساسی به شمار می آید. در اندیشه انسانگرایانه باید برای انسانها و افراد سازمان، حرمت و ارزش قائل بود و نمی توان حق انسان را به دلیل نتیجه ای که برای جمع یا سازمان دارد، ضایع و پایمال کرد. از این رو این دیدگاه را «حرمت انسانی» نیز نام نهاده اند. در این دیدگاه حقوقی چون آزادی بیان، آزادی انتخاب حرفه، آزادی در حریم زندگی خصوصی و شخصی، آزادی در دریافت اطلاعات برای افراد، همیشه محفوظ است و سازمانها باید این حقوق را محترم شمرده و در احقاق آن برای اعضای خود تلاش کنند. البته رعایت حقوق فردی باید به گونه ای صورت پذیرد که حقوق فرد دیگری را ضایع نکرده و به آن لطمه وارد نکنند.

دیدگاه «نسبی گرا» اخلاق را تابع شرایط می کند و مقتضیات زمان و مکان را در اخلاق مؤثر می داند. نسبی گرایان معتقدند سازمانها و جوامع در حال تغییرند و شرایط و موقعیتها پیوسته تغییر می کنند، بنابراین گزاره های اخلاقی نیز نمی توانند ثابت و بدون تغییر باقی بمانند. در هر دوره شرایطی باید بر اساس تحولات ایجاد شده، ضابطه های اخلاقی را نیز متحول کرد و با توجه به زمانه پیش رفت.

دیدگاه «سودمندگرا» عملی را اخلاقی می داند که نتیجه و پیامد سودمندی را حاصل کند. برای آن که اخلاقی بودن عملی را اثبات کنیم، باید به نتایج و پیامدهای آن بنگریم و نتیجه سودمند را ملاک اخلاقی بودن بدانیم.

«اصالت نفع فردی» و «اصالت فایده جمعی» دو شکل از دیدگاه سودمندگرای اخلاقی هستند.

نگاهی به کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه علامه طباطبائی

بر اساس نظریه اصالت نفع فردی، به دنبال سود شخصی رفتن، آن را به حداکثر رسانیدن، عملی پسندیده و اخلاقی است و موجب پویایی جامعه و رشد انسان‌ها می‌شود. در نظریه اصالت فایده جمعی نتیجه همچنان از اهمیت برخوردار است، اما تلاش در آن است که بیشترین منفعت برای بیشترین افراد حاصل شود. طرفداران اصالت فایده، معتقدند که باید در سازمان تصمیماتی اتخاذ شود که منفعت عمل را حداکثر کند.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود هر یک از دیدگاه‌های اخلاقی جنبه‌ای از اخلاق را در سازمان توجیه می‌کند و در صورتی که بتوانیم منشور اخلاقی یا مدل مفهومی اخلاقی را با توجه به منافع فردی و جمعی، با عنایت به فضیلت‌های انسانی و شرایط و موقعیت‌های زمانی و مکانی تنظیم کنیم. بهترین مبانی اخلاقی را ایجاد کرده‌ایم. منشور اخلاقی باید حاوی تمامی دیدگاه‌های اخلاقی باشد تا نوعی تعادل و همسازی میان اصول اخلاقی بوجود آید. (گودرزی، ۱۳۹۰).

اعتقاد بر این است که اخلاق به ویژه در ورزش، به علت فقدان درک نظریه‌های آن و توجه به آنها و همچنین ناشناخته بودن ارتباط این نظریه‌ها با ورزش، آسیب دیده است و نظریه‌های اخلاقی ارائه شده در این زمینه، بنیادی هستند و هنوز عملیاتی نشده‌اند. در نتیجه، عمل دشوار به نظر می‌رسد. هر چند دلایل موجهی برای بهره نگرفتن از اخلاق در رفتارها نیست، ولی شاید دلایلی باشد که پی نگرفتن مطالعه و تحقیق در این زمینه را توجیه کند. از آنجا که علم اخلاق بر مطالعه اخلاق و معیارهای اخلاقی دلالت می‌کند که افراد باید از آنها پیروی کنند، مسائل مربوط به ارزش‌ها و مفاهیمی چون «درست بودن» و «اشتباه بودن»، تحت این عنوان بررسی می‌شوند. علم اخلاق به عنوان یک موضوع هنجاری برای مطالعه درباره این که افراد باید چگونه عمل کنند، عملی تجویزی یا توصیه‌ای است، این بدان معناست که علم اخلاق به مردم می‌گوید که چگونه عمل کنند، پرسش‌های مربوط به ورزش در زمینه علم اخلاق، به مدافعان آن و مفاهیمی مانند: ورزش دوستی، مصرف داروهای تقویت کننده عملکرد، برخورد با حریفان و توجه به ورزشکاران محدود نمی‌شود، مدیران ورزشی نیز در همه سطوح ورزشی، مسؤل بررسی پرسش‌های اخلاقی در موضوعاتی مانند: ورزش حرفه‌ای، برابری، مدیریت قانونی، امور کارکنان، مالکیت تیم و مسئولیت‌های مربوط به امتیازهای تیم‌های حرفه‌ای و عدالت

ریشه های اجتماعی و مبانی فکری روش های ارزشیابی آموزشی و...

اجتماعی هستند.

تکامل اخلاقی و استدلال اخلاقی:

برای بسیاری از مردم شناخت معیارهای اخلاقی و بهره گیری از آنها از خانه آغاز می شود. پدر و مادر به طور معمول نخستین معلمان اخلاق هستند و درسها و ارزش هایی را که آنان سعی می کنند به فرزندان بیاموزند، گوناگون و بسیار متفاوت است. آنها نه تنها اخلاق را برای پاسخ به مسایل بسیار و گاه کم اهمیت می آموزند، بلکه شخصیت یا سرشت اخلاقی کودکان را نیز می سازند. بخشی از نخستین آموزش های اخلاقی فرد، بسیار ساده است. هنگامی که کودک زبان آموزی را آغاز می کند، پدر و مادر انواع قانون هایی را که باید از آنها پیروی کند، پیاپی بر سر او فرو می بارند. مردم کودکان را در به انجام رسانیدن یا نرسانیدن کارها نصیحت کرده، برای رفتارهای مناسب می ستایند و به آنها می گویند که به دیگران اعتماد کرده، آنها را یاری می کنند و گاهی به برخی از مردم بدگمان باشند. گاه درس های اخلاقی، بسیار ساده آموخته می شوند. بزرگترها از اشاره با صورت، یک نگاه یا حرکت های گوناگون اندامها استفاده می کنند تا ستایش یا نکوهش خود را نسبت به رفتار اخلاقی کودک آشکار کنند، سرانجام این که پدر و مادر، مجموعه ای غنی از ارزشها، قانونها و معیارهای اخلاقی را به کودکان منتقل می کنند.

به یقین پدر و مادر تنها معلمان اخلاق کودکان نیستند و خانه نیز تنها آموزشگاه اخلاقی آنها نیست. کودکان اخلاق را از مراقبان روزانه، معلمان مدرسه، مربیان، آشنایان، کودکان دیگر و پدر و مادر آنان می آموزند؛ همچنین در جاهای گوناگون با معضلات اخلاقی بسیار مثلاً: در خانه و جلوی تلویزیون، خانه دوستان، مکان های عمومی یا زمین بازی حاضر می شوند و خلاف موقعیت های مختلف و روبه رو شدن با مردم بسیار، می آموزند که چگونه بر توانایی های خود برای هماهنگی با مسایل اخلاقی بیفزایند.

سرانجام این که آن چه مهم است، آموختن است. در واقع هیچ کس با توانایی استدلال درباره موضوعات اخلاقی زاده نشده است. اخلاق، معیارها و قانون های اخلاقی از نسلی به نسل دیگر می رسند. ما ابتدا به مسایل اخلاقی بر می خوریم و تنها پس از آن است که

نگاهی به کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه علامه طباطبائی

توانایی تفکر انتقادی در مورد آنها را کسب می‌کنیم. بنابراین بیشتر کودکان تا هنگامی که مهارت‌های زبانی و تجارب کافی در زندگی را به دست نیاورند نمی‌توانند استدلال اخلاقی کنند، این موضوع آشکار می‌کند که توانایی استدلال اخلاقی به گونه‌ای تکاملی کسب می‌شود. ما همانگونه که می‌توانیم تکامل جسمانی را تعقیب کنیم، می‌توانیم تکامل اخلاقی خود را نیز بررسی کنیم (بر دیدگاه علامه طباطبائی در خصوص مراحل تکامل اخلاقی منطبق است). یکی از اندیشمندانی که بیش از سایرین در خصوص تکامل اخلاقی انسان به مطالعه پرداخت لارنس کلبرگ است وی برخلاف عقاید ژان پیاژه پیرامون تکامل اخلاقی، که کودکان و نوجوانان با مراحل اخلاقی مشخصی رشد می‌کنند، مراحلی که در آنها سطوح متفاوتی از قضاوت‌های اخلاقی را می‌توان بازشناخت، معرفی کرد. نمودار تکامل اخلاقی کلبرگ در مرحلهٔ پیش قراردادی^۱، قراردادی^۲ و پس قراردادی را در بر دارد. کودکان تا ۹ سالگی و شاید بزهکاران نوجوان و بزرگسال در سطح قراردادی هستند، بیشتر نوجوانان و بزرگسالان با پذیرش قانون، مقررات، قراردادها و هنجارهای اجتماعی، در سطح قراردادی هستند، سرانجام سطح پس قراردادی، افرادی با سن بیش از ۲۰ سال که می‌توانند اصول اخلاقی را در قانون‌های اجتماعی به کار گیرند و کسانی که این قانون‌ها را با چنین اصولی و بدون هیچ قراردادی می‌پذیرند، در بر می‌گیرد.

1 - Preconventional
2 - Conventional

ریشه های اجتماعی و مبانی فکری روش های ارزشیابی آموزشی و...

مرحله	آنچه که درست به نظر می‌رسد
سطح اول - پیش قراردادی	
(خودمداری)	پیروزی از قانون در اجتناب از تنبیه
مرحله اول- اطاعت و تنبیه	بدنی - اطاعت برای اطاعت (یا
مرحله دوم- هدف و تبادل وسیله‌ای	خودش)
	پیروی از قانون تنها هنگامی که تمایل
	یا علاقه فردا را به این کار مجبور می‌کند
	حق تبادل برابر، یک معامله همراه با
	عدالت است.
سطح دوم - قراردادی (دیگر مدار یا اخلاق متعارف	
مرحله سوم - پیمان میان افراد،	رفتار خوب قالبی، زندگی شبیه به
همرنگی با جماعت، انتظارات	آنچه انتظار مردم است.
متقابل	انجام وظایف و تعهداتی که قبول
مرحله چهارم - پیمان اجتماعی و	کرده اید. رعایت قانون جز در نکات
حفظ نظام	محدودی که با وظایف اجتماعی
	مشخص، متضاد هستند. کمک به
	جامعه و گروه
سطح سوم اصولی یا پس قراردادی (درون مدار) یا اخلاق فرا	
متعارف	
مرحله پنجم - قرارداد اجتماعی و	آگاهی از این که مردم ارزش های
حقوق فردی	گوناگونی دارند، مقررات به گروه
	وابسته است.
	رعایت ارزش های غیروابسته به گروه
	و حقوق جدای از نظر اکثریت
مرحله ششم - اصول اخلاقی	پیروی فرد از اصول اخلاقی به انتخاب
جهانی	خود. عمل طبق اصول هنگامی که
	قانون آنها را نقض می‌کند.

جدول ۴- شش مرحله تکامل اخلاقی کل برگ^۱

نگاهی به کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه علامه طباطبائی

آنچه که در جدول ۴ به آن اشاره شده بدین ترتیب است که در مراحل پایین‌تر تکامل اخلاقی یعنی سطح اول یا سطح پیش‌قراردادی (مراحل اول و دوم) فرد بر قانون، بقای آن و اطاعت از آن تأکید می‌کند تا از تنبیه اجتناب کند یا از قانون استفاده‌ی ابزاری نماید (در ورزش‌های مختلف شاهد این گونه رفتارها به دفعات هستیم). در سطح قراردادی یا دوم این نمونه (مراحل سوم و چهارم) فرد در شرایطی است که از او انتظار رفتار خوب می‌رود و باید وظایف خود را به انجام برساند. سطح سوم یا سطح اصولی تکامل اخلاقی (مراحل پنجم و ششم) فرد را از نظر اجتماعی مسئول می‌داند، از قانون به عنوان قراردادی اجتماعی اطاعت می‌کند و حقوق را حتی اگر خلاف عقیده‌ی اکثریت باشد، رعایت می‌کند، این سطح مسئولیت فرد را برای انتخاب اصول اخلاقی صحیح آشکار می‌کند (ما در ورزش جامعه‌ی خود بدنبال این گونه افراد هستیم).

نتیجه‌گیری:

در باب خوب یا بد بودن یک کار، دو رویکرد در اخلاق هنجاری دیده می‌شود، الف. رویکرد مسئله محور ب. رویکرد فضیلت محور. در رویکرد مسئله محور، دو تفکر غایت‌گرایانه و وظیفه‌گرایانه مورد توجه قرار می‌گیرد.

نظریات غایت‌گرایانه:

طبق این دسته از نظریات، احکام اخلاقی مبتنی بر نتایج می‌باشند که فعل اخلاقی به بار می‌آورد. خودگرایی از مجموعه نظریات طرح شده در ذیل نظریات غایت‌گرایانه است. سخن خودگرایان این است که هر کسی باید به گونه‌ای عمل نماید که خیر یا رفاه بلندمدت خود را به حداکثر برساند. بر این مبنای انسان فقط و فقط نسبت به خودش مکلف است و تنها تکلیف او این است که در خدمت نفع شخصی خود باشد. باید دقت کرد که مقصود از سود و نفع صرفاً سود و نفع مادی نیست و بهترین شاهد بر این مدعا

ریشه های اجتماعی و مبانی فکری روش های ارزشیابی آموزشی و...

اپیکور^۱ فیلسوف یونانی (۳۴۱-۲۷۰ ق. م) است، او یک لذت‌گرا^۲ بود. اما بزرگترین لذت را تأمل فلسفی می‌دانست. فکر کردن در باب عالم و درباره وجود (آل بویه، ۱۳۸۵). پس لزوماً نباید لذت را معنایی شهوانی داد و لذت‌گرایان و خودگرایان را کوتاه نظر تلقی نمود.

سودگرایی از دیگر نظریات طرح شده در میان نظریات غایت‌گرایانه است. در این نظریه، لذت جمعی و کلی در عین توجه به منافع خود و توجه به منافع خود در دل منافع دیگران مورد نظر قرار می‌گیرد. لذا یک عمل از لحاظ اخلاقی، هنگامی صحیح است که بیشترین خیر یا سود را برای بیشترین افراد جامعه ایجاد نماید (کوئنتون، ۱۹۸۹). جرمی بنتام^۳ و جان استورات میل^۴ از مشهورترین طرفداران رویکرد سودگرایانه می‌باشند. از نظر بنتام، طبیعت بشر تحت سیطره دو ارباب مطلق یعنی رنج و لذت قرار دارد، به نحوی که رنج و لذت بر همه اقوام و افعال و افکار بشر تسلط دارند. او معتقد بود که قانون و عقل دو ابزاری هستند که ساختار لذت را مستحکم می‌سازند (میل، ۱۹۷۹). میل، لذت‌ها را به دو دسته پست‌تر و برتر تقسیم می‌کند. او معتقد است که هر انسانی با مراجعه به خود در می‌یابد که لذت مطالعه، بسیار بیش از لذت خورد و خواب است. (همان).

نظریات وظیفه‌گرایانه:

بر طبق این نظریات، هر فعلی ذاتاً خوب یا بد است (فرید، ۱۹۸۷). از نظر کانت انسان ذاتاً موجودی عاقل است و عقل واحد و همگانی، ریشه صدور قواعد اخلاقی الزام‌آور به شمار می‌رود. کانت بر این باور بود که خوب مطلق قواعد اخلاقی را وظیفه‌آور می‌نماید و خوب مطلق از نظر وی اراده خوب^۱ انسانی است. لذا از نظر کانت، انسانی خوب است که اراده خوب داشته باشد و اگر قاعده‌ای اخلاقی برآمده از اراده خوب باشد قاعده‌ای است که مستقلاً وظیفه‌آور است. اما اراده خوب، خود ریشه در انگیزه صواب دارد، انگیزه‌ای که برای انجام وظیفه است. بر این اساس وظیفه به دلیل ارتباطی که با عقل پیدا

1 - Epicurus

2 - Hedonist

3 - Jeremy Bentham

4 - John Stuart Mill

1 - Good Will

نگاهی به کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه علامه طباطبائی

می‌کند در مورد همهٔ انسان‌ها کاربرد عام دارد. مع الوصف، اصل اخلاقی کانت این گونه بیان می‌شود. «من باید همیشه به شیوه‌ای عمل کنم که بتوانم اراده کنم که راه و روش من یک قانون عام باشد».

مری هد^۱ با استفاده از این اصل چنین دیدگاهی را مطرح کرده که حکم اخلاقی مربوط به من به تمام انسان‌ها تعمیم می‌یابد (هاری، آر، ام ۱۹۵۲). اما در واقع کانت به تفاوت سنخ‌ها در انسان و به حل تعارض بین وظایف توجه نداشت. همین امر مسیر را برای انتقاد و اصلاح نظریهٔ وظیفه‌گرایانه هموار ساخت.

انتقادات به رویکردهای مسئله‌محور:

اگر چه هر کدام از نظریات مطرح شده در رویکرد مسئله‌محور قادر به حل برخی از مسائل اخلاقی می‌باشند اما در اوضاع و شرایط گوناگون با انتقاداتی بنیادین رو در رو می‌شوند: الف). قواعد اخلاقی در چنین نظریاتی غالباً به یک یا چند اصل محوری تقلیل می‌یابد. بر این اساس می‌توان یک نظریه‌پرداز اخلاقی را متصور شد که ضمن داوری اخلاقی، خودش منش اخلاقی نداشته باشد در حالی که داوری اخلاقی یک تصمیم‌گیری است که در این تصمیم‌گیری، امور متعددی مداخلت دارد.

یکی از این امور، محیط اخلاقی است که فرد در آن پرورش می‌یابد. نحوهٔ تربیت بر تصمیم‌گیری اخلاقی تأثیر دارد و صرفاً دانستن نظریات برای تصمیم‌گیری اخلاقی کفایت نمی‌کند. ب). رویکردهای مسئله‌محور غالباً تک‌غایت‌گرایند در حالی که تفاوت انسان‌ها و جایگاه‌های مختلف اجتماعی آنان سبب می‌شوند که نگاه تک‌غایت‌گرایانه، نگاه قبول نباشد. ج). رویکردهای مسئله‌محور به شرایط تحقق یک فعل توجه ندارند. برای آنان X به عنوان یک فعل یا همواره خوب است یا همواره بد. حال آن که شرایط و اقتضائات زندگی بشر به گونه‌ای است که در برخی موارد خوب یا بد بودن یک فعل با شرایط آن فعل، مرتبط است. د). نظریات طرح شده در رویکرد مسئله‌محور، اکثراً فردگرایانه است در حالی که انسان، موجودی اجتماعی است و دیدگاه‌های او در جامعه شکل می‌گیرد.

ریشه های اجتماعی و مبانی فکری روش های ارزشیابی آموزشی و...

در یک جمع بندی می توان گفت نظریاتی که با رویکرد مسئله محور به اخلاق توجه کرده اند، به جنبه اجتماعی زندگی انسان بی توجه اند. این انتقاد به مثابه پلی است که ما را از رویکردهای مسئله محور به رویکرد فضیلت محور سوق می دهد. با مرور اجمالی دیدگاه ها و نظریات اساسی اخلاقی در می یابیم که اکثر این دیدگاه ها معتقدند که از این جهت انسان باید به ارزش های اخلاقی عمل کند تا در جامعه برخورد و تراحمی پیش نیاید، بدون این که این ارزش ها موجب رشد و تعالی انسان شوند در حالی که قرآن کریم با مطرح کردن ارزش های اخلاقی نمی خواهد فقط نیازی را برطرف سازد بلکه می خواهد با پاسخگویی به این نیاز، انسان را به سوی رشد و کمال بکشانند. در واقع نمی خواهد ارزش های اخلاقی را در رابطه با نفس اماره مطرح سازد بلکه می خواهد این ارزش ها در خدمت نفس مطمئنه انسان در آیند.

اخلاق فضیلت محور:

مشکل جامعه ورزشی امروز این است که فیلسوفان اخلاق بر خلاف اسلاف خویش، اخلاق را در حد موضوعاتی چون مسائل فیزیولوژی، تغذیه، بدنسازی و ... تقلیل دادند و رویکرد مسئله محور را جایگزین رویکرد فضیلت محور نمودند. در حقیقت رویکرد مسئله محور به اخلاق، رویکردی جدید است که از قرن بیستم آغاز شده است. بسیاری از فیلسوفان گذشته که آراء آنان در حوزه های گوناگون، پایه و اساس علوم قرار گرفته است رویکرد دیگری را مدنظر قرار داده اند.

ارسطو، افلاطون، آگوستین، هگل، خواجه نصیرالدین و ملا محمد مهدی نراقی از این دست به شمار می روند. در نگاه این فیلسوفان، تعلیم و تعلم در اخلاق، محوریت دارد نه مسئله محوری و در تعلیم و تربیت اخلاقی، منش اخلاقی مهم است که ناظر بر فاعل اخلاقی است نه قواعد اخلاقی (مک اینتیر، ۱۹۸۱ و عمو عبدالهی ۱۳۸۳).

رویکرد فضیلت محور با جایگزین کردن تعلیم و تربیت به جای مسئله محوری، شرایط تحقق فعل اخلاقی را در کانون توجه خود قرار می دهد (انسکومبه، ۱۹۵۸). چنان که ارسطو حتی این مطلب را در تعریف فضیلت نیز آورده است: «فضیلت عبارت است از عملی متناسب و شایسته که در مواضع خاص اجرا می گردد» یا عبارت است از تمایلی

نگاهی به کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه علامه طباطبائی

که نفس برای فرو نشاندن بعضی احساسات پیدا می‌کند. (لطفی، ۱۳۷۸). می‌توان گفت سؤال اساسی دیدگاه فضیلت محور این است که «چگونه انسانی باید بشویم»؟ در حالی که در رویکرد مسئله محور این سؤال مطرح است که «چه باید بکنیم»؟ (اکبری، ۱۳۸۶). در واقع اگر جامعه‌ای اخلاقی شده، به سبب فیلسوفان اخلاق نبوده است بلکه الگوهای اخلاقی، نقش عمده‌ای در این زمینه داشته‌اند. گسترش اخلاق در جامعه ناشی از تعلیم اخلاقی الگو محور است. رویکرد فضیلت محور در حوزه سازمان‌های ورزشی با توجه به مسئولیت اجتماعی آنها اهمیت به سزایی دارد. احتمالاً در ورزش امروزی این باور افراد را بارها شنیده‌ایم که «پیروزی در مسابقه مهمترین مرحله نیست، بلکه تنها مرحله موجود است»! این گونه باورها پیام‌آور این مطلب است که متأسفانه در ورزش امروزی «گوهر گرانبهای گم شده گوهر تقوی است».

با توجه به مسئولیت سازمان‌های ورزشی در قبال جامعه، رویکرد فضیلت محور، این گونه سازمان‌ها را بر اساس تأثیرات تربیتی آنها در اجتماع مورد توجه قرار می‌دهد. این مهم لزوم توجه مدیران، ورزشکاران، رسانه‌های ورزشی و ... را در توجه به اصول اخلاق ورزشی، هدف و رسالت آن دو چندان می‌کند تا در راه تربیت و تهذیب جامعه، وضعیت افراد جامعه را مدنظر قرار داده و روش زندگی فضیلت محور را به آنها بیاموزند. در این راستا ذکر دو نکته راه‌گشا می‌باشد:

الف: توجه به اصول اخلاقی ورزشی و حتی بازسازی آن از نظر فلسفی.

ب: تبیین فلسفه و نظریات راهبردی با رویکرد بومی و فضیلت محور و در نهایت طرح استراتژیک اخلاقی ورزش کشور.

بدین ترتیب بازبینی و اصلاح اخلاق برای سازمان‌های ورزشی باید در سه سطح مورد توجه قرار گیرد:

۱- در سطح فردی و خرد «Micro Level»، وجدان فردی و اخلاقیات شخصی افراد (ورزشکار، مربی، داور، تماشاگر و ...) قرار دارد که در شرایط تربیتی و اجتماعی خانواده و سایر نهادهای آموزشی شکل گرفته است.

۲- در سطح میانی، که قوانین و مقررات سازمان‌های ورزشی و هنجارهای ویژه ورزشی قرار دارند.

ریشه های اجتماعی و مبانی فکری روش های ارزشیابی آموزشی و...

۳- در سطح کلان که شرایط و هنجارهای اجتماعی جا می گیرند.

در بازسازی و تنظیم اصول و رفتارهای اخلاقی باید با یک رویکرد نظام مند و با تأسی از باورهای دینی جامعه اسلامی و الگوی فضیلت محور، « کلیه شرایط و عوامل را تحت پوشش قرار داد.

در حال حاضر بسیاری از مشکلات اخلاقی موجود در جوامع ورزشی کشور به سطح دوم یعنی قوانین و نحوه وضع آن در سازمان های ورزشی مربوط است (که یکی از دلایل عمده آن در بخش مدیریت، عدم تخصص گرایی و عدم شایسته گزینی، شایسته پروری و شایسته سالاری در این سازمانهاست). بنابراین نقش مدیران و سیاست گذاران سازمان های ورزشی کشور در اصلاح و تدوین قوانین و توسعه احترام به هنجارهای اخلاقی- دینی جامعه و نیز باور این که حیطة ورزش حیطة علمی و تخصصی همراه با تعهد است، بسیار حیاتی است. در حقیقت اخلاق ورزشی یک نوع اخلاق خاص و ویژه نیست که فقط باید در رویدادهای ورزشی و توسط ورزشکاران رعایت گردد، بلکه باید در کلیه موقعیت های ورزشی (مدیریت، داوری، خبرنگاری و ...) و نیز در موقعیت های مختلف زندگی، درست و اخلاقی عمل کرد. زیرا اصل مسئولیت پذیری یک اصل کلیدی در اخلاق است که باید توسط مدیران رعایت گردد و در مراحل مختلف وظایف و نقش های مدیریت سازمان های ورزشی جاری باشد.

تعامل دست اندرکاران ورزش با اخلاق

با عنایت به مرور دیدگاه ها و نظریات اخلاقی که در حد حوصله این مقاله درباره آنها بحث شد، ذکر این نکته لازم است که ضمن اکتسابی و آموزش پذیر بودن موازین اخلاقی، غیر از ورزشکاران که بازیگران اصلی صحنه ورزش می باشند، عوامل دیگری نیز وجود دارند که هر کدام از آنها به نوبه خود در قبال مسائل اخلاقی موجود ورزش مسئول بوده و پاسخگو می باشند. زیبایی و ظرافت این نکته زمانی آشکار می شود که افراد، به عنوان مثال: خبرنگاران ورزشی- طبق انتظار تلاش می کنند خود و یا صنف خود را از هر گونه برچسب غیر اخلاقی تبرئه نموده و چهره ای اخلاقی از خود نشان دهند. اما در مقابل، با توجه به نگرش ها و تجربیات خود، سایر ذینفعان درگیر در ورزش مانند:

نگاهی به کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه علامه طباطبائی

مربیان- ورزشکاران- داوران و غیره را به باد انتقاد گرفته و به عنوان مسئول بی‌اخلاقی‌ها معرفی کنند. در نهایت مجموعه برداشت‌های ذینفعان از یکدیگر است که می‌تواند درک صحیحی از وضعیت اخلاقی ورزش در یک جامعه ارائه دهد. در ادامه برای روشن‌تر شدن ابعاد مسئله، به توضیح مختصری پیرامون ذینفعان درگیر در ورزش نظیر: مربیان- داوران- ورزشکاران- خبرنگاران- طرفداران و ... می‌پردازیم:

تعامل ورزشکاران و اخلاق:

در گذشته، هیچ‌کس نمی‌توانست تصور کند، چگونه ممکن است فردی با توانایی‌های بالا در یک رشته ورزشی خاص، بین دو باشگاه، باشگاهی را انتخاب کند که پول بیشتری بدهد و یا نمی‌توانست تصور کند که چگونگی نرخ بازیکن و نرخ قرارداد نقل و انتقال اوست که می‌تواند باعث بالا رفتن سهام آن باشگاه خاص، فروش لباس‌ها و کالاهای ورزشی و افزایش جلب تماشاگران آن باشگاه باشد. معمولاً در ورزشکاران حرفه‌ای جهت‌گیری نسبت به پول وجود داشته و افراد مهارت‌های خود را برای مسابقه دادن به حراج می‌گذارند. این‌گونه افراد از لحاظ تکنیکی به تاجرانی بدل می‌شوند که در عین حال به مسائل اخلاقی اهمیت می‌دهند، اما دیگر اهمیت این موضوع برایشان در درجه اول نیست، شواهد این موضوع زمانی است که جریمه مالی و یا کم کردن حقوق ورزشکاران می‌تواند تا حدی زمینه‌های کاهش برخی از رفتارهای غیراخلاقی در آنان را فراهم سازد. ضمن آن که برخی از آنها معتقدند، استفاده از ادبیات کلامی ناشایست (ناسزا) و کاربرد مواد نیروزا برای پیروزی در رقابت، طبیعی و قابل قبول است (کمپف، ۲۰۰۵). پس می‌توان گفت ارزش‌ها هستند که نگرش‌های فرد را شکل می‌دهند تا مطابق با آن ارزش و نگرش، فرد رفتاری اخلاقی یا غیراخلاقی داشته باشد. وقتی فردی رفتاری غیراخلاقی از خود بروز می‌دهد، در واقع، ارزش‌هایی که شخص به آن باور دارد، کمرنگ شده و نگرش و در نتیجه آن رفتار فرد، بیشتر بسته به تعداد اهداف یا موقعیت‌هایی است که فرد در آن قرار گرفته است. به عبارتی دیگر رفتار غیرمنصفانه و ناصحیح فرد، در نتیجه نادیده گرفته شدن ارزش‌های اخلاقی صورت می‌گیرد. به اعتقاد «باندورا، ۱۹۸۶»: الگوها و تشویق‌ها تعیین‌کننده باورهای ورزشکاران و تماشاگران

ریشه های اجتماعی و مبانی فکری روش های ارزشیابی آموزشی و...

درباره رفتارهای هنجار و ناهنجار در محیط های ورزشی هستند. بنابراین با اعتقاد به رویکرد فضیلت محور و با کار بردن آن در جوامع ورزشی می توان الگوها و رفتارهایی را آموزش و پرورش داد که سایر افراد جامعه به خوبی از آنها سرمشق گرفته و جامعه ورزشی عاری از مسائل و مشکلات اخلاقی بوجود آورد چون ما معتقدیم که: در ورزش قهرمانی و حرفه ای و بدون الگو و منش مناسب فقط قهرمانی مدنظر است و سندرم «پیروزی به هر قیمت»^۱ بر آن حاکم است. طبق این دیدگاه فرد قصد دارد توجه همه را به خود جلب کند در صورتی که در ورزش قهرمانی و باور فضیلت محور، اسوه بودن ملاک است و در این دیدگاه اسوه همه را به خدا می خواند، این گونه ورزش، ورزش پهلوانی است که ورزشکار را به تقوا- طهارت، جوانمردی- عفت- ایثار، تعهد- آزادگی- صداقت- شهامت و سایر صفات حسنه رهنمون می سازد.

تعامل مربیان و اخلاق:

بعد از ورزشکاران، شاید مهمترین عضو یک جامعه ورزشی که بر ماهیت اخلاق نیز تأثیر دارند، مربیان باشند. مربیان و ورزشکاران معمولاً به عنوان مهمترین اشخاص اخلاقی یک سازمان ورزشی مطرح هستند. چرا که ابتدایی ترین چیزی که مردم مشاهده می کنند، ورزشکاران و مربیان آن سازمان یا باشگاه ورزشی می باشند. مارک مک الریت^۲ معتقد است، مهمترین شخص در یک مجموعه ورزشی که از نظر اخلاق مهم است، مربی است. در واقع مربی نقش ارتباطی مهمی را بین ارزش های جامعه و ورزشکاران ایفاء می کند. وی معتقد است پنج ویژگی اخلاقی که یک مربی برای داشتن عملکرد اخلاقی بایستی مورد استفاده قرار دهد عبارتند از: ۱- استفاده از روش های سنتی و قدیمی برای حل مسائل و مشکلات اخلاقی. ۲- استفاده از نظرهای پذیرفته شده در عرف جامعه. ۳- استفاده از قانون. ۴- استفاده از مسائل مذهبی، اعتقادی و اخلاقی که مربی در هنگام تعلیم و آموزش دادن بر آنان تکیه کند مانند: صبر- گذشت و فرو بردن خشم در مواردی که جریان بازی به نفع فرد یا تیم وی نیست. ۵- استفاده از استانداردهای اخلاقی در برابر ورزش رقابتی و حرفه ای، همچون بازی جوانمردانه و

¹ - Win- Atall- Costs Syndroms

² - Mark Mcelreath

نگاهی به کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه علامه طباطبائی

توجه به ضمیر و باطن فردی (بیوینز^۱، ۱۹۹۲).

در ادامه دنیای ورزش و شرکت کنندگان در آن باید در جستجوی مربیانی باشند که به عنوان آموزش دهنده و معلم به پنج تعهد اخلاقی ملزم باشند: ۱- نسبت به خودش: حفظ درستی و راستی، ۲- نسبت به ورزشکاران: درست و صادقانه رفتار کردن با آنان و استفاده از رفتار حرفه‌ای مناسب برای تضمین رفتار ورزشی و اخلاقی آنها. ۳- نسبت به سازمان ورزشی: حمایت از اهداف و سیاست‌های سازمان. ۴- نسبت به دانش حرفه خود: حمایت از استانداردهای صحیح حرفه‌ای با افزایش اعتبار حرفه‌ای به واسطه صحیح عمل نمودن. ۵- نسبت به جامعه: در نظر ارزش‌ها، نیازها و باورهای جامعه.

به نظر می‌رسد، یک مربی موفق با در نظر گرفتن این عوامل و تعامل آن‌ها بین خود و سایر عوامل دیگر، می‌تواند در نهادینه شدن اخلاق در بین ورزشکاران و در سطح جامعه مؤثر واقع شود، در حقیقت می‌توان گفت که یک مربی باید اصول مذهبی- فلسفی- روانشناسی و ارزشیابی منصفانه را سرلوحه و زیربنای حرفه خود قرار دهد. مربی‌ای که در فعالیت حرفه‌ای خود فلسفه مناسبی را دنبال می‌کند و به رعایت اخلاق و فضایل معنوی متعهد است، می‌تواند راهنمای موفق و مناسبی برای ورزشکاران باشد.

تعامل داوران و اخلاق:

یکی از بحث برانگیزترین گروه‌ها در جهان ورزش، داوران^۲ هستند. با توجه به روحیه حرفه‌ای گری در ورزش امروزی و سرمایه‌گذاری‌های هنگفت باشگاه‌ها در ورزش و مسابقات مربوط به آن، وجود ارزش‌های اخلاقی و پایبندی به آن برای این گروه بسیار مهم قلمداد می‌شود. شاید بهترین تعبیر و تعریفی که از یک داور بتوان کرد این باشد که: «داوران باید عدالت را تعریف و تقسیم کنند». داوران باید برای داشتن یک داوری صحیح و اخلاقی، ضمن در نظر داشتن و باور ارزش‌های حاکم بر جامعه، آموزش و تعلیم کافی را در زمینه حرفه خود دیده باشند و دائماً دانش و مهارت خود را به روز نمایند و آن را با تجربه و اعتماد به نفس همراه سازند. در ذکر حساسیت و ظرافت این حرفه در ورزش همین بس که در سال ۱۹۶۹ در هنگام یک بازی فوتبال در لیما پایتخت

¹ - Bivins

² - Referees

ریشه های اجتماعی و مبانی فکری روش های ارزشیابی آموزشی و...

کشور پرو، یک قضاوت جنجال برانگیز و ناآگاهانه توسط داوران، باعث نزاعی شد که طی آن ۳۰۰ نفر از جمله داوران آن مسابقه کشته شدند. (وینبرگ، ریچاردسون، ۱۳۸۱). در بین کل جامعه ورزشی به غیر از تماشاگران که برای تماشای یک مسابقه حاضر به پرداخت پول هستند، داوران کمترین درآمد را دارند. بنابراین سازمان های ورزشی باید ضمن تأمین مالی داوران و توجه به تلاش مهم و تأثیرگذار این گروه ورزشی، به تربیت، آموزش و ارزشیابی آنها نیز کمک کنند. توجه به این امر باعث می شود، گاه پایبندی اخلاقی داوران، تحت الشعاع مسائل مالی قرار نگیرد. بنابراین رعایت اصول اخلاقی برای داوران نیز بسیار مهم و ضروری است. در اینجا لازم است که به طبقه بندی استانداردهای اخلاقی داوران ورزشی اشاره ای داشته باشیم:

- ۱- بی طرفی: داوران باید بی طرفانه و بدون تعصب و ابهام داوری کنند.
- ۲- عدم وابستگی: داوران بایستی از هر آن چه آنها را مدیون و وابسته نموده و از واقعیت و درستی دور می کند اجتناب کنند (مانند: پذیرش هدیه از تیمها- وابستگی به یک تیم خاص و ...).
- ۳- ادب و تواضع: داوران بایستی در رابطه با ورزشکاران- مربیان- مدیران ورزشی- رسانه های گروهی و ... در نهایت تواضع و ادب رفتار کنند.
- ۴- ارتقاء دانش فنی و حرفه ای خود: داوران بایستی دائماً درصدد پیشرفت دانش و مهارت خود از طریق آموزش، مطالعه، افزایش تجربه و ... باشند.
- ۵- انجام داوری شرافتمندانه: داوران نباید در قضاوت های خود، عوامل اقتصادی، نژاد، جنس، رنگ، سن، ناتوانی جسمی، ملیت و قومیت را در نظر بگیرند و باید منصفانه و جوانمردانه داوری کنند.

تعامل تماشاگران و اخلاق:

در جوامع امروزی، انتظار از ورزش صرفاً تقویت قوای بدنی و اجرای برنامه های ورزشی توسط ورزشکاران نیست، بلکه ورزش به عنوان بهترین وسیله برای غنی سازی اوقات فراغت مردم نیز مدنظر می باشد.

تماشاگران، این طیف وسیع از جامعه ورزشی که به جرأت می توان گفت در بین

نگاهی به کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه علامه طباطبائی

ورزشکاران، مربیان، داوران و ... از نظر تعداد، بیشترین هستند، آثار مهمی را نیز از موارد مختلف و از جمله بعد اخلاقی بر روی ورزش دارند. آنها بخش بزرگی از مسابقه هستند که از لحاظ فیزیکی نمی‌توان حضور آنها را حذف کرد. تماشاگران می‌توانند به طرق مختلف بر داوری داوران و بازی بازیکنان و ... تأثیرگذار باشند.

آن چه عملکرد اخلاقی تماشاگران را از هم متفاوت می‌کند و آنها را گروه‌بندی می‌کند، سطح انگیزش آنهاست. دیکسون (۲۰۰۷) بر این اساس تماشاگران را به دو دسته تقسیم می‌کند: ۱- طرفداران افراطی^۱، که حمایتشان از تیم مورد علاقه، به دلیل تعصبات شهری، گویشی، جغرافیایی و آشنایی است. مانند: تیم فوتبال یک شهر خاص. ۲- طرفداران منصف^۲: که از بهترین بازی و بهترین بازیکنان حمایت می‌کنند و البته حمایتشان بسیار انعطاف‌پذیر است. به عبارت دیگر اگر تیم محبوب آنها، کمتر از حد انتظار ظاهر شود، آنها دیگر طرفدار تیم خود نبوده و از تیم مقابل به خاطر بازی بهتر حمایت می‌کنند. طرفداران افراطی، در هر حالتی حامی تیم خود بوده و مخالف هر عملی هستند که مغایر نظرات آنها در قبال تیم محبوبشان باشد، به نظر می‌رسد مشکلی که از طرف این گروه از تماشاگران ایجاد می‌شود، بسیار زیاد باشد. واژه اوباشگری^۳، ویژه برخی از تماشاگرانی است که به هر دلیلی جز انصاف، عدالت و توجه به روح بازی، رفتارهای خشونت‌آمیز را بر علیه بازیکنان و تماشاگران تیم حریف و داوران و گاه تأسیسات شهری و نیروهای انتظامی و ... به کار می‌برند. به هر حال دیکسون معتقد است که ما نیاز به داشتن دسته سومی از تماشاگران داریم، که وی آنها را «طرفداران میانه‌رو» می‌نامد. بدین ترتیب که آنها هم صداقت و عشق با ثبات طرفداران گروه اول را به تیم محبوب خود و هم واقع‌بینی، انصاف و حمایت از بازی منصفانه و بدون خشونت گروه دوم را به همراه داشته باشند.

به هر حال آن چه به نظر صحیح می‌آید، این است که تماشاگران با توجه به باور ارزش‌های حاکم بر جامعه و رویکرد فضیلت‌محور معیارهای اخلاقی‌ای را انتخاب کنند و در خصوص تیم مورد علاقه خویش به عنوان تماشاگری منصف و معتدل بر اساس

1 - Partisan

2 - Purist

3 - Hooliganism

ریشه های اجتماعی و مبانی فکری روش های ارزشیابی آموزشی ...

تلاش، رفتار ورزشی منصفانه، اجرای زیبا و هوشمندانه، از بازیکنان تیم خود حمایت کنند.

تعامل مدیران باشگاههای ورزشی و اخلاق:

مسئول بودن یک مدیر در محیط ورزشی در برابر اعمال شخصی و حرفه‌ای، نیازمند تفکر او درباره دیدگاه‌های اخلاقی و درک آنهاست. همانطور که تاکنون بارها به آن اشاره شده است، نهاد اجتماعی ورزش بدون مسئولیت نیست و کسانی که به عنوان مدیر به برنامه‌های آن خدمت می‌کنند، مسئول هستند.

ایتزن^۱ (۱۹۸۸) با اشاره به بهره‌گیری از اصول اخلاقی در شناخت مسئولیت و رفتار مدیران باشگاه‌ها و سازمانهای ورزشی، اصولی را ارائه کرده که به قول وی آرمان‌های اخلاقی ورزش و وظیفه حرفه‌ای در برابر نهاد ورزش را آشکار می‌کند، این اصول عبارتند از: ۱- ورزشکاران باید به عنوان هدف به شمار آیند نه وسیله. ۲- رقابت باید همراه با عدالت و انصاف باشد. ۳- فرصت شرکت در فعالیت و رهبری و بهره‌گیری از منابع و جوایز باید بر اساس پیشرفت داده شود نه بر اساس ویژگی‌های منسوب.

۴- فعالیت‌های ورزشی باید ایمنی ورزشکاران و شرکت کنندگان را فراهم کند. توجه به این امر مهم است که مدیران ورزشی مسئول اطمینان از این امر هستند که برنامه‌های ورزشی منطقی هستند و به گونه‌ای اخلاقی اداره می‌شوند. این مسئولیت، نظارت بر کارکنان، منابع، امکانات، تحولات، در دسترس بودن قوانین و مقررات برای بازیکنان و کارکنان، روشن و صریح بودن قوانین و عدم طرفداری از برخی بندهای آن، عدم توجه و در صورت لزوم برخورد با خواسته‌های غیراخلاقی در قراردادهای حرفه‌ای که توسط برخی از مربیان و بازیکنان، ابراز می‌گردد، ارزشیابی صحیح عملکرد بازیکنان، مربیان، کمک مربیان و سرپرستان به شکلی صحیح، عادلانه و منصفانه و منوط به حقایق آماری است (دی سن سی، روزنبرگ ۱۳۸۴).

راس^۱ (۱۹۸۹) معتقد است که مسئولیت بر وظیفه‌ای کلی دلالت دارد که فرد به علت وجود آن مسئول است و در مقابل آن باید پاسخگو باشد. به اعتقاد دال^۲ (۱۹۷۵)

1 - Eitzen
1 - Ross
2 - Dahl

نگاهی به کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه علامه طباطبائی

سازمان‌ها و به خصوص سازمان‌های ورزشی، هنگامی از نظر اجتماعی مهم به شمار می‌آیند که تصمیم‌های آنان موجه و در خدمت اهداف مردمی و اجتماعی باشند. شجاعت مهم‌ترین ویژگی مدیران حرفه‌ای برای پیاده‌سازی اهداف مربوط به توسعه اخلاقی و برخورد با ناهنجاری‌های اخلاقی در محیط‌های ورزشی است. نکته مهم دیگر، موضوعات اخلاقی مطرح شده در تئوری «بالا-پایین» است، بر اساس این تئوری، جو اخلاقی موجود در یک سازمان، نتیجه اعمال و رفتارهای مدیران ارشد آن سازمان است (مک آدام، ۱۹۹۲).

تعامل خبرنگاران ورزشی و اخلاق:

به نظر می‌رسد که ورزش و رسانه‌های گروهی چون: رادیو-تلویزیون، مطبوعات، خبرنگاران و مجریان این رسانه‌ها، ویژگی‌های بسیار مشترکی دارند و آن این است که هر دو متولی ایجاد ارتباط عظیم بین مردم هستند و هر دو موانع نژادی، فرهنگی و فواصل جغرافیایی بین افراد را از بین می‌برند. در واقع رسانه‌های ورزشی به قانونی و طبیعی جلوه دادن برخی بی‌تفاوتی‌های اخلاقی، رفتارهای ناشایست و غیرحرفه‌ای متهم هستند. برخی رسانه‌ها نیز آگاهانه یا ناآگاهانه معرف و مروج قهرمانان ورزشی به عنوان الگوهای اجتماعی برای نوجوانان و جوانان هستند که از نظر اخلاقی بر روی آنها تردید وجود داشته ولی جنبه‌های اقتصادی و تجاری رسانه را تضمین می‌کند (ایتزن، ۱۹۸۸). تمایز خبر و خبر ورزشی نیز دشواری دیگری است که ذینفعان درگیر در ورزش با آن روبرو هستند. چه اطلاعاتی از ذینفعان درگیر در ورزش مانند ورزشکاران، مربیان، داوران و غیره باید خصوصی و چه اطلاعاتی باید عمومی به شمار آیند؟ در واقع تشخیص ارزش‌ها و دشواری‌های مربوط به آن برای کسانی که اخبار ورزشی را نوشته و یا در رسانه‌های دیداری و شنیداری ارائه می‌کنند، پیچیدگی دیگری است که در این راستا وجود دارد. بطور کلی کمپف^۱ (۲۰۰۵) معتقد است، رسانه‌های ورزشی از خشونت و پرخاشگری موجود در ورزش برای خلق هیجان و در نهایت جذب هر چه بیشتری مخاطب استفاده می‌کنند. بنابراین سؤال اصلی در خصوص رسالت این قشر از جامعه

ریشه های اجتماعی و مبانی فکری روش های ارزشیابی آموزشی و...

ورزشی این است که با توجه به نقش مهم و انکار ناپذیر رسانه های ورزشی، آنها، چگونه می توانند اخلاقی عمل کنند؟ اول این که در بین رسانه های گروهی نقش تلویزیون، بسیار تعیین کننده است، زیرا مخاطبان بسیار بیشتری از روزنامه ها و رادیو دارد، ضمن این که همزمان مسابقات را پوشش می دهد. از طرف دیگر تردیدی نیست که در بین برنامه های تلویزیونی، مسابقات ورزشی مختلف، همیشه طرفداران بیشتری دارد و می تواند با به تصویر کشیدن جلوه های اخلاقی در میدانی ورزشی، ضمن فرهنگ سازی در بین جوانان، به معرفی ورزشکاران الگو بپردازد. دوم اینکه، مجریان رادیو و تلویزیون و خبرنگاران روزنامه ها و مجلات ورزشی، سعی کنند که همواره مسائل صحیح های ورزشی را منصفانه و به دور از تعصب، گزارش نمایند. سوم اینکه، مجریان و خبرنگاران با در نظر گرفتن این واقعیت که ورزشکاران جوان و موفق، نقش الگو را برای سایر نوجوانان و جوانان دارند، ترویج خشونت، استفاده از اصلاحات غیر اخلاقی و کاربرد داروهای نیروزا و ... را از طرف هر ورزشکار و مربی ای و در هر سطحی، همواره در گزارش ها و اخبار خود محکوم کنند و در نهایت، سعی کنند از عملکرد داوران حمایت کرده و قضاوت در مورد داوری آنها را بر عهده کارشناسان داوری بگذارند. توجه به این موارد و اهمیت قائل شدن برای روح ورزش و انجام بازی جوانمردانه و به دور از خشونت، تخطی از قانون و با احترام به داور، حریف، مربی و تماشاگران باید سرلوحه کار کلیه خبرنگاران ورزشی باشد.

اخلاق حرفه ای:

مراد از اخلاق حرفه ای مسئولیت اخلاقی فرد از حیث شغل است، یک ورزشکار یا دست اندر کار سازمان ورزشی به عنوان شخص حقیقی مسئولیت اخلاقی دارد. مسئولیت اخلاقی او برخاسته از شغلی است که بر دوش گرفته است، به گونه ای که اگر شغل دیگری می پذیرفت، مسئولیت های اخلاقی وی تغییر می کرد. هر شغلی، مسئولیت های اخلاقی خاصی می آفریند. اخلاق در این مفهوم «وابسته به شغل» است که بر حسب تنوع مشاغل، محتاج اخلاقیات خاص هستیم. اخلاق مربیان، اخلاق معلمان، اخلاق مدیران، اخلاق خبرنگاران، اخلاق ورزشکاران و غیره. (قراملکی، ۱۳۸۵). اما چگونه می توان

نگاهی به کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه علامه طباطبائی

اخلاق حرفه‌ای را جاری و ساری نمود؟ یکی از ابزارهای بسیار رایج برای این موضوع، وضع نمودن کدهای ارزشی و اخلاقی است. یکی از ابزارها برای تحقق اخلاق حرفه‌ای، که اکنون در بسیاری از کشورهای جهان مرسوم شده است، تدوین، آموزش، اعمال و نظارت بر پیروی از کدهای اخلاقی است (فرانکل^۱ ۱۹۹۲- کمبل^۲ و همکاران، ۲۰۰۱). بدین ترتیب پیشنهاد مقاله حاضر، در خصوص جو اخلاقی حاکم بر ورزش کشور، تدوین، آموزش و کاربرد کدهای ارزشی و اخلاقی برگرفته از ارزش‌ها و ضرورت‌های حاکم بر جامعه اسلامی و باور رویکرد فضیلت محور است. بنابراین با اعتقاد به اثر بخش بودن آموزش کدها و مسائل اخلاقی جهت الگو سازی قهرمانان صالح ورزشی به عنوان پهلوانان و اسوه‌های جامعه که برخوردار از نقش اخلاقی باشند، مدل مفهومی رفتار اخلاقی ارائه می‌گردد.

مدل مفهومی رفتار اخلاقی ورزشکاران جامعه اسلامی بر روی دو محور عمومی و افقی قرار می‌گیرد که محور عمودی گویای دشواری و محور افقی مبین زمان است. دشواری (محور عمودی) بدین جهت که طبق سند راهبردی نظام جامع ورزش کشور، هرم فعالیت بدنی از قاعده که ورزش آموزشی و پرورشی باشد شروع و به رأس آن که ورزش حرفه‌ای باشد ختم می‌گردد. بنابراین تدوین، آموزش و کاربرد کدهای ارزشی و اخلاقی را می‌توان از ابتدا با راحتی و سهولت بیشتر در دوران کودکی و نوجوانی از طریق سیستم آموزش و پرورش کشور به قشر نونهالان و نوجوانان جامعه ارائه نمود و بدین طریق این گونه مسائل را در جامعه نهادینه کرد و نتایج مطلوب را به دست آورد و در صورت غفلت از این مراحل هر چه به سطوح بالاتر (رأس) هرم فوق حرکت کنیم، آموزش و کاربرد کدهای ارزشی و اخلاقی در بین ورزشکاران سخت‌تر و دشوارتر می‌گردد.

مؤلفه زمان (محور افقی) بدین منظور تبیین گردیده که حرکت فرد از سمت چپ به سمت راست نمودار برای آن که رفتار وی منجر به رفتار و عملکرد اخلاقی بینجامد مستلزم صرف وقت و زمان می‌باشد تا در این دوره زمانی موارد و مسائل را بیاموزد یا تجربه کند و نهایتاً به کار گیرد.

1 - Frankel
2 - Campbell

ریشه های اجتماعی و مبانی فکری روش های ارزشیابی آموزشی و...

از محل تلاقی دو محور عمودی (دشواری) و محور افقی (زمان)، برآیندی به وجود می آید که مبین سطوح مختلف تغییر در مردم می باشد که عبارتند از: ایجاد تغییرات در دانش - نگرش - رفتار فردی و نهایتاً رفتار گروهی یا سازمانی.

رابطه زمانی و اشکال نسبی دخیل در به وجود آوردن این تغییرات در سطوح مختلف، هنگامی که زور یا تسلیم عامل آن نباشد در مدل مفهومی از سمت چپ (پایین) به سمت راست (بالا) قابل مشاهده است.

در واقع تغییر در دانش آسانترین کار است و به دنبال آن تغییر در نگرش. ساختار نگرش، از آنجا که بار مثبت و منفی دارد با ساختار دانش تفاوت دارد. ایجاد تغییر در رفتار افراد بسیار مشکل تر و وقت گیرتر از دو نوع قبلی (دانش و نگرش) است، اما دست زدن به تغییر در رفتار گروهی یا سازمانی شاید مشکل ترین آنها و وقت گیر ترینشان باشد (هرسی - بلانچارد، ۱۳۷۸).

اولین مؤلفه از سمت چپ مدل، مؤلفه ارزش ها و ضرورت های حاکم بر جامعه اسلامی است که این ارزش ها تقریباً مطلق بوده و نیازی به اثبات کردن آنها نیست مانند: مذمت دزدی - نفی تقلب و ضرورت وجود صداقت، پاکی، امانتداری، جوانمردی و ... در جامعه.

دومین عامل یا مؤلفه که منبعث از مؤلفه اول است، ارزش های اخلاقی حاکم بر ورزش می باشد و طبیعی است که وقتی جامعه ای به صداقت - راستی - جوانمردی و منش پهلوانی و این گونه خصائل نیکو اعتقاد و باور داشته و سعی در کاربرد آن در سطح جامعه نماید، ارزش های حاکم بر ورزش آن جامعه نیز به این خصائل و اوصاف متصف بوده و عملکرد غیر اخلاقی در ورزش مانند: کاربرد مواد نیروزا، رشوه خواری، بازی ناجوانمردانه و ... را نفی می نماید.

مؤلفه سوم شامل سطوح مدیریتی و کلیه دست اندرکاران جامعه ورزشی است که عبارتند از: ورزشکاران، حامیان مالی، مربیان، مدیران، خبرنگاران (رسانه های گروهی). حامیان اجتماعی، تماشاگران، متخصصان ورزشی و داوران و هر کدام از این قشر، شرح وظایف و مسئولیت اخلاقی خاص خود را دارند (در حد حوصله این مقاله در خصوص این موارد به اختصار توضیح داده شد). در این مدل، اعتقاد بر این است که این قشر

نگاهی به کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه علامه طباطبائی

عظیم ضمن محور قرار دادن هرم فعالیت‌های بدنی (طبق سند راهبردی نظام جامع ورزش کشور) و با اعتقاد به ارزش‌ها و ضرورت‌های حاکم بر جامعه اسلامی و ارزش‌های اخلاقی حاکم بر ورزش آن جامعه می‌بایست نسبت به تدوین، آموزش و کاربرد کدهای ارزشی و اخلاقی اقدام نموده و ضمن این که خود از این مباحث تأثیر می‌پذیرند، جامعه ورزشی و سپس کل جامعه را تحت تأثیر رفتار و منش اخلاقی مورد نظر قرار دهند.

مؤلفه چهارم مسأله اخلاقی است که در صورت بروز آن در جامعه ورزشی، کلیه عوامل درگیر در این مسأله با تأسی از ارزش‌ها و ضرورت‌های حاکم بر جامعه اسلامی و نیز ارزش‌های اخلاقی حاکم بر ورزش و با توجه به این که راه‌های مقابله با این موارد را از طریق نهادهای آموزشی، تعلیم دیده‌اند (مؤلفه پنجم مؤلفه تعلیم و تربیت) و با توسل به مؤلفه ششم که عبارتند از: عوامل فردی، ادراک محیطی و الگوی اخلاقی و معمولاً به عنوان عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری یا رفتار اخلاقی افراد محسوب می‌شوند، نسبت به آن مسأله خاص تصمیم گرفته و اقدام به رفتار یا عملکرد اخلاقی نمایند.

عوامل فردی اثرگذار بر تصمیم‌گیری اخلاقی افراد بر اساس یافته‌های کلر^۱ و همکاران (۲۰۰۷) به متغیرهایی نظیر: سن، تحصیلات، تجربیات حرفه‌ای و نگرش‌های مذهبی دلالت دارد. فرل و گرشام^۲ (۱۹۸۵).

بومر^۱ و همکاران (۱۹۸۹)، آرنه^۲ (۱۹۹۸)، مورفی^۳ (۲۰۰۷)، فردریخ و لیر^۴ (۲۰۰۸) و رادنیکا^۵ (۲۰۰۹) نیز در الگوهای پژوهشی خود، به عوامل فردی به ویژه سن اشاره نموده و بر آن تأکید کرده‌اند.

ادراک محیطی و به طور دقیق‌تر ادراک افراد از جو اخلاقی، خانوادگی، گروه همسالان، رسانه‌های گروهی و قانون حاکم بر ورزش، متغیر دیگر است که در مدل پیشنهادی ذکر شده و می‌تواند بر تصمیم‌گیری اخلاقی افراد تأثیرگذار باشد. رادنیکا (۲۰۰۹) در الگوی تصمیم‌گیری اخلاقی خود بر محیط فردی (خانوادگی)، جو اخلاقی

1 - Keller
2 - Ferrell & Gresham
1 - Bommer
2 - Arnet
3- Morphy
4 - Freadrich & Lyer
5 - Rudnicka

ریشه های اجتماعی و مبانی فکری روش های ارزشیابی آموزشی و...

و حرفه ای حاکم بر ورزش و در نهایت میزان قانون پذیری و قانون گریزی افراد تأکید کرده و از آنها به عنوان متغیری تأثیرگذار بر تصمیم گیری اخلاقی یاد می کند. مواردی که با الگوهای تصمیم گیری اخلاقی تسالیکیس^۱ و فریچه (۱۹۸۹)، پاتر و ون جیلز^۲ (۲۰۰۳)، مورفی (۲۰۰۷) و فردریخ ولیر (۲۰۰۸) نیز همخوانی دارد.

الگوی اخلاقی مؤلفه دیگری است که تأثیر به سزایی در عملکرد اخلاقی افراد جامعه دارد و با توجه به این که معمولاً ورزشکاران به عنوان الگوهای نوجوانان و جوانان جامعه مطرح می شوند، نقش آنها در عملکرد این قشر از جامعه بسیار مهم و حساس است و طبق مدل پیشنهادی در صورتی که با تأسی از رویکرد فضیلت محور، منظور جامعه اسلامی، طرح کردن ورزشکاران صالح و با اخلاق به عنوان اسوه در جامعه باشد و همانگونه که توضیح داده شد، اسوه بر خلاف قهرمانان امروزی که همه را به خود می خوانند، همه را به خدا می خواند و خصائل نیکو و اوصاف حسنه را در جامعه ترویج و تبلیغ می کند، می تواند در عملکرد اخلاقی افراد جامعه نقشی حساس و تعیین کننده داشته باشد.

در نهایت جامعه ورزشی و دست اندرکاران و ذینفعان دائماً از نحوه عملکرد و رفتار اخلاقی خویش به طرق مختلف بازخورد دریافت می کنند و با توجه به نظارت و کنترلی که بر اعمال و رفتار خویش دارند، در صورت لزوم عملکرد خود را اصلاح می نمایند. در خصوص انطباق عوامل تشکیل دهنده منش اخلاقی با فرآیند مدل مفهومی رفتار اخلاقی، ذکر این نکته لازم است که این عوامل، همان عوامل معرفی شده توسط شیلدز و بردمیر (۱۹۸۴) که در کتاب «رشد منش و فعالیت بدنی»^۱ خویش آورده اند، می باشد با این تفاوت که در بازبینی آنها و با توجه به فلسفه تعلیم و تربیت در جامعه اسلامی، عامل «تصمیم یا عزم و اراده» به این عوامل افزوده شده است، که در جای خود به توضیح آن پرداخته خواهد شد.

تفسیر، مرحله ای است که شخص با توجه به باور ارزش ها و ضرورت های حاکم بر جامعه و نیز ارزش های حاکم بر جامعه ورزشی، علائم یا نشانه های مهم اخلاقی را که در

1 - Tsalikis

2 - Pater & Vangils

1 - Character Development and Physical Activity.

نگاهی به کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه علامه طباطبائی

موقعیت ویژه وجود دارد، مشخص می‌کند و بر اساس این حالات، موقعیت خاصی را که به لحاظ اخلاقی اهمیت دارد، با حساسیت اخلاقی خود تعیین می‌کند. مرحله دوم، فرآیند شناختی قضاوت کردن اخلاقی است که شخص در آن در صورت بروز و ظهور هرگونه مسأله اخلاقی با توجه به ارزش‌ها و ضرورت‌های حاکم بر جامعه و ورزش به قضاوت می‌نشیند البته نوع قضاوت به بلوغ اخلاقی فرد نیز بستگی دارد. در مرحله سوم یعنی انتخاب ارزش یا ارزش‌گذاری، شخص با توجه به سه عامل اثرگذار عوامل فردی، ادراک محیطی و الگوی اخلاقی جامعه، ارزشی را انتخاب می‌کند که انعکاسی از قضاوت اخلاقی وی دارد و راهنمای عمل اوست.

در مرحله چهارم فرد با توجه به نحوه تفسیر، قضاوت و شیوه ارزش‌گذاری خویش عزم و اراده خویش را جهت رفتار و عملکرد اخلاقی جزم می‌کند. در این مقطع عامل تصمیم‌گیری یا عزم و اراده در قلمرو وجود انسان جایگاهی بس مهم و بنیادین دارد. زیرا در نگاهی جامع، تعلیم و تربیت (که محور اصلی این مدل است) با چهار ساخت یا چهار ضلع شخصیت آدمی سر و کار دارد که عبارتند از: ۱- ادراکات (مرحله تفسیر و قضاوت). ۲- تمایلات (مرحله انتخاب ارزش یا ارزش‌گذاری). ۳- تصمیمات (مرحله عزم و اراده و یا تصمیم) و ۴- اقدامات (مرحله رفتار اخلاقی). در واقع درست است که هر اقدام یا عملی از سوی شخص مسبوق به علم و میل است اما تا علم و میل به تصمیم و عزم و اراده نینجامد، عمل یا اقدامی حاصل نخواهد شد و در نتیجه ابتر و ناقص خواهد ماند (بهشتی، ۱۳۸۹).

آنچه این مدل بر آن تأکید دارد، نگاه به فضیلت اخلاقی و آموزش پذیر بودن آن است و فضیلت اخلاقی، عملی است که با این خصوصیات توضیح داده می‌شود. مطابق این مدل فرد باید دارای فضایل اخلاقی ممتازی باشد تا بتواند درست تصمیم‌گیری کند. مانند: حس مسئولیت، جوانمردی، انصاف و شرافت که نقش مؤثری در ایفای عمل اخلاقی دارند. بر اساس این رویکرد، ورزش سهم مهمی در شکل‌گیری منش اخلاقی دارد و یک فرد، در حین بازی و مسابقات ورزشی است که منش اخلاقی خود را نشان می‌دهد. در نهایت بر اساس نظریه فضیلت محور خیر اخلاق در ارتباط با یک سلسله قواعد یا اصول تعریف نمی‌شود، بلکه در رفتارهای پیچیده اجتماعی مثل ورزش، رشد و

ریشه های اجتماعی و مبانی فکری روش های ارزشیابی آموزشی و...

ظهور منش اخلاقی تعیین کننده است نه قوانین و اصول.

منابع و مأخذ:

- ۱- آذربانی، احمد و کلانتری، رضا، (۱۳۸۵)، «اصول و مبانی تربیت بدنی و ورزش»، تهران. انتشارات آبیژ، ویرایش دوم، چاپ اول.
- ۲- اکبری، رضا، (۱۳۸۶)، «حل تعارضات اخلاقی بر پایه اخلاق فضیلت»، فصلنامه علمی- پژوهشی، فلسفی- کلامی، شماره ۳ و ۴.
- ۳- آل بویه، علی و پالمر، مایکل (۱۳۸۵)، «مسائل اخلاقی»، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ۴- بای، جان (۱۳۸۶)، «فوق برنامه و تفریحات سالم ورزشی»، ترجمه: فریدون تندنویس، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت معلم، چاپ اول.
- ۵- بهشتی، سعید (۱۳۸۹)، «تأملات فلسفی در تعلیم و تربیت»، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ اول.
- ۶- جکسون، راجرز و پالمر، ریچارد (۱۳۸۳)، «راهنمای مدیریت ورزشی»، ترجمه: محمد خبیری، نصر... سجادی، رحمت ا... صدیق سروستانی، محمد عزیزی، عباسعلی گائینی و شکوه نوابی نژاد، تهران، انتشارات کمیته ملی المپیک، چاپ سوم.
- ۷- خزایی، احمدرضا، (۱۳۸۲)، «تأثیر متقابل فرهنگ و ورزش»، تهران، ماهنامه ورزش دانشگاه انقلاب، شماره ۱۸۶، قسمت اول.
- ۸- دی سن سی، جوی تی و روزنبرگ، دنی (۱۳۸۴)، «اخلاق در مدیریت ورزشی»، ترجمه: سید محمد حسین رضوی و محسن بلوریان، آمل، نشر شمال پایدار، چاپ سوم.
- ۹- رضوانی نژاد، رحیم (۱۳۸۸)، «مدیریت پیشرفته در ورزش»، گیلان، انتشارات دانشگاه گیلان، چاپ اول.
- ۱۰- شعبانی، بهار، غلامرضا (۱۳۸۴)، «اصول و مبانی تربیت بدنی و ورزش»، همدان، انتشارات دانشگاه بوعلی سینا، چاپ اول.

نگاهی به کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه علامه طباطبائی

- ۱۱- عمو عبدالهی، حسن و دیگران (۱۳۸۳)، «از مسأله محوری تا فضیلت گرایی»، تهران، نشر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری.
- ۱۲- طباطبائی، علامه سید محمدحسین، (۱۳۸۲)، «ترجمه تفسیر المیزان».
- ۱۳- کاشف، مجید (۱۳۸۰)، «اخلاق، بازی‌های المپیک و مقایسه آن با ورزش در ایران باستان»، فصلنامه المپیک، شماره ۳ و ۴، صفحات ۷-۳.
- ۱۴- گودرزی، محمود (۱۳۸۹)، «مدیریت رفتار سازمانی در ورزش»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- ۱۵- لطفی، ارسطو (۱۳۷۸)، «اخلاق نیکو»، تهران، انتشارات طرح نو.
- ۱۶- نادریان جهرمی، مسعود (۱۳۹۰)، «اخلاق در ورزش»، تهران، انتشارات نیما، چاپ اول.
- ۱۷- فدایی، طاهره و علوی، خلیل (۱۳۸۸)، «اخلاق در ورزش با رویکرد بازی منصفانه»، قم، فصلنامه علمی، پژوهشی دانشگاه قم، سال دهم، شماره ۱۲.
- ۱۸- وینبرگ، روبرت اس و پگی آ، ریچاردسون، (۱۳۸۱)، «روانشناسی داوری»، ترجمه: سیروس چوبینه، تهران، انتشارات پژوهشکده تربیت بدنی، چاپ اول.
- ۱۹- هس مر، ال تی، (۱۳۸۲)، «اخلاق در مدیریت»، ترجمه سید محمد اعرابی و داود ایزدی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۲۰- هرسی، پاول و بلانچارد، کنت اچ (۱۳۷۸)، «مدیریت رفتار سازمانی، استفاده از منابع انسانی» ترجمه: قاسم کبیری، تهران، انتشارات ماجد، چاپ ششم.
- 21- Anderson, Lynley, (2007), "Doctoring Rick: Responding to Rick-Taking in Athletes", Sport, Ethics and Philosophy, No: 4, pp: 119- 134.
- 22- Aspin, D. (1975), "Ethical aspects of sports and games and physical education". Proceedings of the philosophy of education society of Great Britain, Vol 9.
- 23- Bivins, T (1992), A Systems model for Ethical Decision Making in Public Relation", Public Relation Review, No: 4, pp: 375.
- 24- Boxill, Jan, (2003), "The Ethics of Competition, Jon Boxill "Sport Ethics", Publisher: Black Well, First Edition.
- 25- Chelladurai, Packianathan, (1999), "Human Resource Management in sport and Recreation", Publisher: "Human Kinetics, First Edition".

ریشه های اجتماعی و مبانی فکری روش های ارزشیابی آموزشی ...

- 26- Dixon, Nicholas (2007) "The Ethics of supporting sport Teams", Morgan William, J. "Ethics in sport" publisher: Human Kinetics, First Edition.
- 27- Malloy, D. C, Dwight. H. Zakus, (2002) "Etics of Drug Testing in sport- An invasion of Privacy Justified?" "Sport. Education and Society, No: 7, pp: 203- 208.
- 28- Eitzen, D. S (1988). "Sport and Deviance" Journal of sport and Social issues, 12, 17- 30.
- 29- Fried. C. (1987). "Right and Wrong". Mass. Harvard university Press, Cambridgr.
- 30- Krechmar, R. S (1994). Practical Philosophy of Sports, Champaign Human Kinetics.
- 31- Pearson, Kathleen, M. (2003), Deception, Sportsmanship and Ethics Jan Boxill. "Sport Etics". Publisher: Black Well First Edition.
- 32- Simon, Robert. L. (2003), "The Ethics of Strategic Fouliny" Jan Boxill, Sport Ethics". Publisher: Black Well First Edition.

